



قرارگاه خانگی

پرونده‌ای درباره روضه‌های خانگی که امسال رنگ و بویی دیگر به خود گرفته‌اند

۱۱



طرح استودیو شهرآرا

۲۸ گره خورده با عاشورا

۲۲ خودت امتحان کن

۴ برای جانی که می‌رود



یک خداحافظی کوتاه

لیلا جان قربان، دبیر شهر بانوا

دوباره آمدید مشهد؛ پس از سال‌ها دوری. پس از سال‌ها حسرت و غیظه‌ای که ما به تهرانی‌های ما می‌خوریم که در هوای شما نفس می‌کشند؛ که روزهای دیدار می‌توانند خودشان را زودتر به کوچه کشور دوست برسانند و اول صف باشند؛ که جلوتر از همه می‌توانند بیابند و روی زیلوهای حسینه بنشینند و به نصیحت‌های پدران شما گوش دهند؛ که کف دست‌هایشان با خود کار و ماژیک بنویسند «جانم فدای رهبر».

دوباره آمدید مشهد؛ پس از سال‌ها دوری. چشم به نوروزها داشتیم تا اسم سال را بگویید و بر ایمان سخنرانی کنید. چقدر پزیش‌رامی دادیم که امسال عید آقادر حرم سخنرانی دارند. چقدر برایش برنامه‌های رسانه‌ای می‌چیدیم. من یکی که میان جمعیت می‌گشتم و حال و هوای زائران و مجاورانی‌رامی نوشتم که منتظر بودند تاروی سکویا بیاید. برای عید امسال هم برنامه داشتیم. با خودمان گفته بودیم بعد از ماه رمضان حتماً آقا به مشهد می‌آیند. یکی از بچه‌ها که رفته بود و لنز حرفه‌ای تر هم خریده بود که از همان راه دور عکس‌های لبخندان را واضح واضح بگیرد؛ غافل بود از اینکه فروردین آمدنتان می‌افتد به تیر!

دوباره آمدید مشهد؛ پس از سال‌ها دوری. از خدا که پنهان نیست. از شما هم پنهان نباشد؛ نمی‌دانید که چقدر افتخار به مشهدی بودن‌تان کردیم. چقدر فیلم آن شعرهایی را که برایتان با لهجه مشهدی می‌خواندند و شما لبخندی عمیق می‌زدید. دست به دست چرخانیدیم. خیالش را هم نمی‌کردیم که با آن فیلم‌ها که روزی می‌خندیدیم. این روزها گریه کنیم. بغض کنیم و سکوتی طولانی و حسرت.

دوباره آمدید مشهد؛ پس از سال‌ها دوری. هر دفعه می‌آمدید، می‌ماندید و می‌رفتید. اما این بار آمده‌اید که بمانید. خدا می‌داند که چقدر دوست داشتیم بیایید و بمانید، اما نه از این ماندن‌ها. یک وقت‌هایی که زمزمه می‌شد قرار است پایتخت جابه‌جا شود، قند توی دلمان آب می‌کردیم که بالاخره مشهد هم گزینۀ خوبی برای پایتخت شدن است؛ شاید شد و شما برای همیشه آمدید. آن وقت حسینه و بیت رهبری می‌آمدتوی یکی از همین کوچه‌های مشهد؛ شاید همان جای خانه پدری‌تان. آن وقت ما خبرنگارها بارها و بارها آفیش می‌شدیم به بیت؛ آن وقت یک دل سیر شمارا می‌دیدیم و مثل روایت نویسان و عکاسان بیت‌تان در تهران، حسابی پز نوشته‌هایمان از شمارا می‌دادیم؛ پز آقايمان را. دوباره آمدید مشهد؛ پس از سال‌ها دوری. این بار آمدید که بمانید، اما به جای خودتان عکس‌هایتان تسکین دلمان است. به جای دستی که بالا می‌آوردید و نگاه مهربانی که داشتید، فقط یک مشت گره کرده بر ایمان باقی است. راستش را بخواهید؛ هنوز نیامده، روایت‌ها شروع شده‌اند. یکی خانه‌اش را برای زائران شما چیده؛ یکی تنور گازی قدیمی‌اش را توی موکب آورده تا برای مهمانان شما نان گرم بپزد؛ یکی ماشینش را توی جاده انداخته و زائران روز بدرقه را به مشهد می‌رساند؛ یکی هم مثل همان رفیقم که لنز تله خریده بود، رفته و از همه این‌ها عکس گرفته و منتظر است تا پنجشنبه بیاید و شما بیایید. خیلی‌ها منتظرند تا پنجشنبه بیاید و شما بیایید برای یک خداحافظی کوتاه و سلامی طولانی. خداحافظی با آقایی که پدرانۀ هوای همه ما را داشت و به همه یاد داد در یحانه‌وار با ما رفتار کنند و سلام بر آقایی که از بیت شما برای رهبری می‌آید؛ آقایی که بوی شمارا می‌دهد؛ آقایی که دوباره برای دیدارهای صف خواهیم کشید؛ آقایی که برای او هم کف دست‌هایمان خواهیم نوشت: «جانم فدای رهبر».

شهربانو
همایش رستاخیز زنان نوغان به همت بسیج جامعه زنان خراسان رضوی در مشهد با حضور بانوان کنشگر و فعال فرهنگی برگزار شد.

اختصاص ۶۰۰ هزار خودرو و ۱۵۰ هزار قطعه زمین به مادران

ایرنا
عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی از افزایش ۷۴ درصدی منابع بانکی برای تسهیلات ازدواج و فرزندآوری خبر داد و گفت: ۵ میلیون فقره وام ازدواج، واگذاری ۱۵۰ هزار قطعه زمین و افزایش ۲۵ برابری حق اولاد، اقدامات بزرگی بوده که انجام شده است. امیرحسین بانکی‌پور افزود: تا امروز بیش از ۶۰۰ هزار مادر صاحب فرزند دوم به بعد، خودرو دریافت کرده‌اند که امیدواریم امسال بتوانیم ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار خودرو دیگر را بدون استرس قرعه‌کشی‌های ناگهانی به دست خانواده‌ها برسانیم و این یعنی تسهیل واقعی در مسیر مادری.

تسنیم
دبیر ستاد ملی جمعیت با اشاره به اینکه خانواده‌های ایرانی به طور متوسط خواهان داشتن حدود ۲٫۵ فرزند هستند، گفت: حل مسئله جمعیت فقط با مشوق‌های اقتصادی محقق نمی‌شود، بلکه حمایت‌های پایدار، ساده، بدون بوروکراسی و مبتنی بر کرامت خانواده، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش رضایتمندی و تشویق به فرزندآوری داشته باشد.



فارس
پردیس احمدیه، بازیگر سینما، همزمان با تشییع رهبر شهید انقلاب، در استوری اینستاگرام خود نوشت: کنار تابوت ایستادم و از قلبم زمزمه کردم ای رهبر شهیدم، ای ادیب و فرزانه، راهت ادامه دارد. روزی خورشید حق طلوع خواهد کرد و نور حتی بر دیدگانی که امروز تماماً کورند جلوه خواهد کرد. تا آن روز چه مرده و چه زنده به سان خودت صبورانه زیر بیرق علم دارمان می‌مانیم. یا علی

ایسنا
بنیاد ملی علم ایران با تصویب مصوبه‌ای جدید، در راستای حمایت از بانوان پژوهشگر و سیاست‌های جوانی جمعیت، مهلت ارسال پیشنهاده‌ها و اجرای طرح‌های پژوهشی را به ازای تولد هر فرزند تا ۹ ماه و حداکثر هجده ماه افزایش داد. برای بهره‌مندی از این تسهیلات، ارائه شناسنامه فرزند به عنوان مدرک مورد نیاز کفایت می‌کند.

مهر
آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد درصد شایان توجهی از مصرف داخلی اسباب‌بازی در کشور وابسته به واردات است. بررسی داده‌های گمرکی ده ماهه سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد انحصار واردات اسباب‌بازی در دستان چند کشور از جمله چین، امارات متحده عربی، ترکیه و هنگ کنگ است. در این میان، چین با اختلاف، پیشگام و پرچم‌دار واردات به بازار ایران محسوب می‌شود.



این مطلب را حتما بخوانید

اگر می‌خواهید برای روز تشییع رهبر شهید نذری بدهید

خیلی‌ها به دلشان افتاده حالا که مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب است، در حد بضاعت خودشان نذری کوچکی بدهند و این گونه آقای شهید را بدرقه کنند. پیشنهادهای ما این است:

گزینه‌های جیبی

این گروه بهترین انتخاب برای جمعیت‌های در حرکت است؛ خوراکی‌هایی که در جیب، کیف یا دست‌جا می‌گیرند.

گزینه‌های مناسب

خرما + کنجد

خرما + بادام

خرما + گردو

کشمش + نخودچی

خرما + حلوا

حلواي کنجدي



ماه‌چین

زنان ایرانی پیشگام در تحصیل و اشتغال



۸۰۸۰۰ نفر

در سال ۲۰۲۲، در کشور ایران در مجموع ۸۰ هزار و ۸۰۰ نفر از زنان در سن کار دارای مدرک دکتری بوده‌اند. بدین ترتیب ایران در رده هفتم بیشترین شمار بانوان دارای مدرک دکتری در سن کار در جهان قرار گرفته است.



۵۰٪

دنیا در طول ۳۸ سال گذشته ۱۳.۲ درصد رشد نرخ باسوادی داشته و در ایران نرخ رشد باسوادی ۵۰ درصد بوده است.



شمار زنان دارای مدرک تحصیلی دکتری در ۳۶ کشور جهان کمتر از ایران اعلام شده است.



۹۷٪

در ۴۵ سال گذشته میزان سواد در ایران به ۹۷ درصد رسیده و باسوادی زنان ۲/۵ برابر رشد کرده است.

پیش از انقلاب نرخ باسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال در زنان ۳۵.۵ درصد بوده است، اما اکنون بیش از ۹۷ درصد بانوان سواد دارند.

۹۷٪

۹۹٪

نرخ باسوادی گروه سنی ۱۰ تا ۲۹ سال در ۲۸ استان بیش از ۹۷ درصد و در هشت استان بیش از ۹۹ درصد است.



بیش از ۶۰ درصد متقاضیان دانشگاه‌ها را دختران تشکیل می‌دهند و بیش از ۵۸ درصد صندلی دانشگاه‌ها به بانوان اختصاص یافته است.

۶۰٪



۳۰٪

در اختراعات سهم بانوان بیش از ۲۴ درصد است. همچنین زنان ایرانی حضور پررنگی در امور دانش‌بنیان دارند و سهم آن‌ها به ۳۰ درصد می‌رسد.

بیش از ۷۰ درصد مشاغل خانگی را بانوان تشکیل داده‌اند و زنان کارآفرین بسیاری توانسته‌اند اشتغال ایجاد کنند.

۷۰٪



معاون زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری گفت: رهبر شهید متری ترن نگاه را در حوزه زنان داشتند. زهرا بهروزآذر در حاشیه مراسم وداع با رهبر شهید انقلاب، اظهار کرد: شاید برخی باور نکنند، ولی رهبر شهید در وضعیت موجود کشور متری ترن نگاه را در حوزه زنان داشتند. ما مدیون رهبر شهید در حوزه زنان و خانواده هستیم و همه تلاشمان را در راستای احقاقی وصیت‌های رهبر شهید انجام خواهیم داد.

مهر

معاون بررسی‌های راهبردی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با بیان اینکه زنان ارکان اصلی پیشرفت، نوآوری و پایداری اقتصادی در جوامع به شمار می‌آیند، تأکید کرد: توانمندسازی اقتصادی زنان یک ضرورت اجتماعی صرف نیست، بلکه یک راهبرد اقتصادی و توسعه‌ای محسوب می‌شود.

ایرنا

کارگروه سامان‌دهی مد و لباس کشور با هدف ترویج فرهنگ مصرف مسئولانه، کاهش پسماند های نساجی، افزایش طول عمر پوشاک و توسعه الگوهای مد پایدار، پویش ملی «چرخه پوشش» را برگزار می‌کند. این پویش در شش محور اصلی شامل استفاده مجدد از پوشاک و منسوجات، تعمیر و نگهداری پوشاک، بازطراحی و بازآفرینی لباس‌ها، بازیافت منسوجات و ضایعات نساجی، طراحی پایدار و همچنین کسب و کارهای پایدار در حوزه مد و لباس برگزار می‌شود. «هر لباس، فرصتی دوباره برای زندگی» شعار پیشنهادی این پویش معرفی شده است.

مهر

عکس کودکان را در فضای مجازی منتشر نکنید

آژانس ملی مبارزه با جرائم انگلیس (NCA) از والدین و سرپرستان خواسته است از انتشار عمومی عکس‌های کودکان در فضای آنلاین خودداری کنند. این سازمان هشدار داد بسیاری از والدین ممکن است از این موضوع بی‌اطلاع باشند که تصاویر در دسترس عموم می‌توانند توسط مجرمان برای تولید محتوای نامناسب بدون تماس مستقیم با قربانیان، استفاده شوند.

ایسنا



هنگامه هادیانی، ژیمناستیک کار خراسانی، به اردوی انتخابی تیم ملی اعزامی به مسابقات آسیایی ۲۰۲۶ ژاپن دعوت شد.

ایرنا

یک مطالعه جدید می‌گوید که تغذیه با شیر مادر ممکن است یکی از راه‌های کاهش خطر ابتلا به اختلال بیش‌فعالی باشد.

مهر

گزینه‌های ساندویچی



اگر قرار است نذری به شکل ساندویچ باشد، بهتر است ساده و کم‌چرب باشد.

گزینه‌های مناسب

ساندویچ تخم مرغ آب‌پز

ساندویچ سیب زمینی

نان و پنیر و گردو

نان و پنیر و سبزی

گزینه‌های نوشیدنی



در مراسم، نوشیدنی به اندازه خوراکی مهم است؛ به خصوص برای جلوگیری از ضعف، گرمادگی و افت انرژی.

گزینه‌های مناسب

آب میوه رقیق شده

شربت سبک و کم‌شیرین

آب معدنی های کوچک



روایت‌هایی از زنانی که شهر را برای بدرقه آقای شهید و میزبانی از زائرانش آماده می‌کنند

برای جانی که می‌رود

آخر پیامک نوشته است: «شما هم منتشر کن»، خیاط است. دنبال این بود که برای روز تشییع رهبر شهید در مشهد کار ویژه‌ای انجام دهد. در یکی از موب‌های اطراف فرودگاه قرار می‌شود که برای خدمت در روز تشییع برود. اما باز هم دلش آرام نگرفت. چند باری زنگ زد و گفت: «به نظرت چه کار دیگری هم می‌شود کرد؟» آخرش گفتیم: «خب تو که خیاطی. بگو تا روز تشییع هر که بخواهد، برای چادرش کش رایگان می‌دوزی.» از ایده‌ام خوشش می‌آید. یک ساعت بعد یک متن پیام می‌فرستد: «خانم‌های عزیز، از امروز تا چهارشنبه شب، برای دوخت چادر و کش چادری که می‌خواهید در مراسم تشییع رهبر شهید سرکنید، رایگان در خدمتان هستیم.» آخرش هم بعد از یک اینتر، نوشته است: «برای اطلاع‌رسانی هر چه بیشتر، شما هم منتشر کن.»



مسئولیتی سنگین‌تر

روی مقوا خوش نویسی کنیم و بین جمعیت بالایی دست بگیریم. چون سبک زندگی آقای ساده‌زیستی بود، نمی‌خواهیم کارهایمان هزینه زیادی داشته باشد. می‌دانید که، الان یک عده هم دنبال همین هستند که از این کارهای مایک حرفی در بیاورند. باید خیلی حواسمان را جمع کنیم.

مهمان عزیز آقا جان

دم غروب زنگ می‌زنم که کارهایش سبک‌تر شده باشد. از چند روز پیش مشغول جمع و جور کردن خانه و خرید است. به قول خودش «مهمان دارد». زهرا اهل تهران است و همه خانواده‌اش آنجا زندگی می‌کنند. می‌گوید: این دفعه دیگر خانواده‌ام فقط خانواده‌ام نیستند که به مشهد می‌آیند، بلکه مهمانان عزیز آقا جانم هستند. دوتا خواهرم با بابا راهی مشهد شده‌اند تا در مراسم تشییع شرکت کنند. من همیشه کارهای خانه را برای

خانم‌غفوری از زنان فعالی است که چندسال پیش در یکی از دیدارهای رهبر شهید حضور داشته است. می‌گوید: همیشه آرزو داشتیم آقا به مشهد بیایند تا در دیدارهایشان حاضر شویم. حال و هوای دم عیدهای توی حرم با سخنرانی‌های ایشان خیلی دل‌چسب بود. من فقط یک بار در دیدار افشار مختلف بانوان توانستم در حسینیه ایشان را از نزدیک ببینم. برای من و همه دوستانی که همراهم بودند، نگاه پدران ایشان خیلی دل‌چسب بود؛ نگاهی که هیچ‌وقت از ذهن ما پاک نمی‌شود و حالا واقعا حس از دست دادن پدری مهربان را داریم. دیدار پنجشنبه واقعا دیداری سخت است. فقط دلمان به این آرام می‌گیرد که آقا را همیشه در کنار خودمان داریم. ولی از این به بعد مسئولیت ما خیلی سنگین‌تر می‌شود. باید حواسمان باشد که کارهای فرهنگی سنگین‌تری بر دوش خواهیم داشت. من و دوستانم برای روز تشییع تصمیم گرفته‌ایم گزیده‌ای از بیانات آقا را

رهبر شهید، دیدارهای اثرگذار داشتند

حسن‌محمدزاده، شاعر و پژوهشگر ادبی:

دیدارهای سالانه شاعران بار رهبر شهید در شب‌های ماه رمضان یکی از رویدادهای فرهنگی مهم کشور بود و تسلط ایشان بر تاریخ



و سبک‌های شعر فارسی بسیار چشمگیر بود، به گونه‌ای که گاهی نکات فنی ظریفی را در اشعار یادآوری می‌کردند که از نگاه کارشناسان پنهان می‌ماند. در سال‌های اخیر فرصت بیشتری برای دیدار و گفت‌وگوی شاعران زن با ایشان فراهم شد و همین موضوع باعث رشد و حضور پررنگ‌تر بانوان در عرصه شعر شد.

حضرت آقا مشوق بانوان بودند

طیبه‌ماهر روزاده، استاد دانشگاه و همسر غلامعلی حداد عادل:

رهبر شهید از مشوقان جدی بانوان برای ادامه تحصیل بودند و بر گسترش فعالیت‌های علمی زنان تأکید ویژه داشتند و شخصاً نیز انگیزه ادامه تحصیل خود را از همین نگاه و تشویق‌ها گرفته‌ام. ایشان همچنین توجه ویژه‌ای به یادگیری زبان‌های خارجی، به ویژه عربی و انگلیسی داشتند و برخلاف برخی برداشت‌های عمومی، هیچ‌گونه مخالفتی با یادگیری زبان انگلیسی نداشتند. ارتباط مستمری با دانشگاه‌ها داشتند و در برخی موارد با حضور در محیط‌های علمی، با استادان و دانشگاہیان به گفت‌وگو می‌نشستند. یکی از روش‌های تربیتی ایشان این بود که در مواجهه با افراد، ابتدا بر نقاط قوت و جنبه‌های مثبت آنان تأکید و سپس تذکرات لازم را بیان می‌کردند.



رهبر شهید، دیدگاه نقش‌آفرین داشتند

مرضیه وحید دستجردی، دبیر ستاد ملی جمعیت:

در مقطعی که بحث حضور زنان در سطوح عالی مدیریتی کشور مطرح بود، فرصتی پیش آمد تا دیدگاه حضرت آقا را درباره تصدی جایگاه وزارت توسط زنان جویا شوم. زیرا چنین پیشنهادی نیز به بنده ارائه شده بود. در پاسخ، ایشان به صراحت اعلام کردند که از منظر فقهی و شرعی هیچ مانعی برای حضور زنان در مسئولیت وزارت وجود ندارد. این پاسخ برای من بسیار درخور توجه بود. چنین دیدگاهی بیانگر آن است که در اندیشه این رهبر دینی، زنان می‌توانند در کنار ایفای نقش‌های خانوادگی، در عرصه‌های اجتماعی و مدیریتی نیز مسئولیت‌های مهمی بر عهده بگیرند و در مسیر توسعه و پیشرفت کشور نقش‌آفرین باشند. جامعه ما باید قدر دان این نوع نگرش باشد.



مادرانه به بدرقه بیا

فاطمه سلیمی، رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر مشهد



زنان این روزها در ابعاد مختلفی می‌توانند نقش آفرینی کنند. یکی از این ابعاد، موضوع وحدت و همدلی است که حضرت آقا به آن تأکید ویژه داشتند. مادرها می‌توانند این وحدت و همدلی را با محبت در جامعه تسری بدهند و مادرانه به بدرقه آقای شهید بیایند. موضوعی که باید به آن توجه شود، روایتگری و جهاد تبیین است و بیان موضوعاتی که این روزها در حال رخ دادن است برای فرزندان. مادرها می‌توانند با کسب اطلاعات دقیق و با مطالعه تاریخ، آنچه را صحیح است برای فرزندان روایت کنند. این روایتگری بسیار مهم و اثرگذار است.

از اقدامات دیگر، حفظ میدان و خیابان هاست. تا زمانی که رهبر انقلاب دستور دهند، مادرها می‌توانند با توجه به نقش مؤثری که در خانه دارند، حافظ خیابان و میدان باشند. نکته مهم دیگر مطالبه‌گری است. مادران باید در راستای شروط‌بره‌ری مطالبه‌گری داشته باشند و همین‌طور خون‌خواه امام عز‌یرمان باشند. حتی می‌توانند این روایت خون‌خواهی را برای فرزندان خود که آینده ایران را ترسیم خواهند کرد، نقل کنند.

از آنجا که ما میزبان رهبر شهید و مراسم تشییع ایشان هستیم نیز اقدامات ویژه‌ای برای این زمان می‌توان انجام داد. یکی از این اقدامات، توجه به زائرانی است که به صورت ویژه برای این مراسم به مشهد می‌آیند. این زائران برای تشییع رهبر شهید ایران به شهر ما آمده‌اند و باید میزبان خوبی برای ایشان باشیم. از جمله اقداماتی که ما زنان و مادران می‌توانیم انجام دهیم، این است که مانند اربعین درهای خانه‌هایمان را باز کنیم و با غذاهایی که درست می‌کنیم و دیگر اقدامات پذیرایی، بتوانیم میزبان این زائران عزیز باشیم.

همچنین می‌توانیم در کارهای جهادی با هم شریک شویم. سراغ گروه‌های جهادی برویم و ببینیم چه اقدام و کمکی می‌توانیم بکنیم. خانم‌های زیادی مشغول اقدامات پشتیبانی برای روز مراسم هستند؛ از پخت غذا بگیرند تا فضا سازی مناسب برای روز تشییع. می‌توان با این خانم‌ها نیز همراه شد.

مادران در انجام کارهای فرهنگی هم می‌توانند نقش آفرینی کنند. مثلاً عکس‌هایی که از حضرت آقای شهید دارند یا پیام‌های ایشان در حوزه زنان و بانوان و اقداماتی را که ایشان در باره زنان مطرح کردند، به صورت دست‌نوشته‌هایی در روز تشییع می‌توانیم همراه داشته باشیم.

رهبر شهید به زنان ما هویت دادند. جمهوری اسلامی به زنان جایگاه داد و آقای شهید الگوی سوم زن مسلمان را مطرح کردند؛ زنی که نه شرقی است و نه غربی؛ زنی که در کنار فعالیت‌های خانه و مادری، می‌تواند نقش پررنگی در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته باشد. در کنار همراه داشتن این نکات از صحبت‌ها و بیانات ایشان، می‌توانیم نگاهی بین‌المللی هم داشته باشیم و این نکات را به زبان‌های مختلف نیز ترجمه کنیم و همراه داشته باشیم تا در دنیا بدانند که مادران ایران خون‌خواه رهبر خود هستند و حرفی برای گفتن دارند. ما زنان باید به مردم دنیا نشان دهیم که رهبر شهید ما در باره زنان نگاه ویژه داشتند؛ به‌خصوص بیاناتی که اخیراً در دیدار با بانوان در روز ولادت حضرت زهرا (س) داشتند.

یکی دیگر از موضوعاتی که نباید از آن فراموش کنیم، شهادت نوه کوچک ایشان و دختر و عروسشان است. از مراسمی که برای این عزیزان می‌شود برگزار کرد غافل نشویم. ما خانم‌ها باید روایت‌هایی زنانه از شهدای زن داشته باشیم؛ از دختران میناب گرفته تا فرزندان رهبر شهیدمان. توجه داشته باشیم که دختر و عروس شهید حضرت آقا معلم بودند و نقش تربیتی داشتند. آن‌ها در کنار نقش مادری در مسئولیت‌های اجتماعی هم حضور داشتند و می‌شود به این موضوعات هم در روایتگری به‌عنوان موضوعات مورد توجه رهبر شهید به جایگاه بانوان، پرداخت.

نکته مهم این است که از هر کار کوچکی که می‌توانیم انجام دهیم، غافل نشویم. هر مادری باید نیت کند و به صحنه بیاید و بچه‌ها را هم با خاطره‌ای خوش با خود همراه کند. این خاطره‌سازی از حمل یک پلاکارد دست‌ساز می‌تواند باشد تا برداشتن یک بطری شربت که کودک در مراسم توزیع کند و نقش آفرین باشد. ما مادران باید این ایام را به خاطره‌ای ماندگار در ذهن بچه‌ها تبدیل کنیم تا نقطه جهشی باشد برای حمایت از ایران مقتدر؛ خاطره‌ای ماندگار از روز تشییع قوی‌ترین و اثرگذارترین مرد ایران دوست، رهبر شهید ایران، شهید آیت‌... العظمی سیدعلی خامنه‌ای.

زنان نوغان و بهترین میزبانی

قصه نقش آفرینی زنان، به خصوص زنان مشهدی، در روزهای تاریخی زبان‌زاد است. از همان ماجرای زنان نوغان و اولین راهپیمایی انقلابی گرفته تا الان که هر شب میدان‌داری می‌کنند و قرار است نقش آفرینی اثرگذار در روز تشییع آقا داشته باشند؛ نقش آفرینی‌ای که بخشی از آن با عنوان رستاخیز زنان نوغان هم مطرح شده است. در این زمینه، زهرا خصاف، مسئول بسیج جامعه زنان سپاه امام رضا (ع)، می‌گوید: زنان انقلابی مانند زنان نوغان، در کنار امام و رهبر خود ایستاده‌اند و این مسیر را با استقامت ادامه خواهند داد. مایه افتخار است که میزبان عاشقان و دلدادگان این شهید بزرگوار باشیم. تلاش ما بر این است که زائران و شرکت‌کنندگان در مراسم، دغدغه‌ای جز غم فراق و حضور در آیین تشییع نداشته باشند و با همه توان، خدمت‌رسانی شایسته‌ای به آنان ارائه شود. او در باره هدف برگزاری گردهمایی رستاخیز زنان نوغان می‌گوید: یکی از اهداف برگزاری همایش این است که میان دستگاه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی، هم‌افزایی ایجاد شود. زیرا معتقدیم وقتی ظرفیت‌های موجود در کنار یکدیگر قرار بگیرند، می‌توانیم در میزبانی از مردم در مراسم تشییع، وداع و تدفین پیگر مطهر رهبر شهیدمان در مشهد، خدمات بهتر و مؤثرتری ارائه کنیم. ما نباید منتظر باشیم تا دیگران برایمان تعیین تکلیف کنند. زیرا هر کس در هر مرحله‌ای که هست، اگر جای خالی می‌بیند و احساس نیاز می‌کند، باید به میدان بیاید. هدف ما این است که همچون مادری که آبروی خود را در پذیرایی از مهمان حفظ می‌کند، با تکیه بر فرهنگ آتش به اختیار و مدیریت جهادی، بهترین میزبانی را رقم بزنیم.

خودشان می‌گذاشتم، ولی الان قصه فرق می‌کند. از ظهر که رسیده‌ام خانه، مشغول تمیزکاری هستم. یک فهرست خرید هم به شوهرم داده‌ام تا خرید کند. این چند روز قصه مهمانان شهرستانی فرق می‌کند. به چندتایی از دوستانم هم پیام داده‌ام که خانه‌ام هست؛ اگر تمایل دارید برای تشییع بیاید، قدمتان روی چشم.

کاری برای آقا نکردیم

دست‌هایم هنوز از آلبالوهایی که دانه کرده، قرمز است. مشغول آماده کردن شربت است. حواسش هست که نه خیلی شیرین شود و نه کم شیرینی. هرچه ظرف هم داشته، آب کرده و داخل فریز گذاشته است تا یخ شود. به چندتایی از همسایه‌ها هم گفته است که برای روز پنجشنبه برای یخ کنار بگذارند. سکینه خانم خانه‌اش در کوچه چهارباغ است. شربت‌نذری برنامه هر ساله‌اش برای عاشورا و تاسوعاست. یک دیگ بزرگ شربت درست می‌کند و به پسرهای محل می‌دهد تا سر کوچه پخش کنند. اما امسال به روزهای نذری او یک روز دیگر هم اضافه شده است. می‌گوید: قدر این آقای شهید را اگر می‌دانستیم، الان می‌فهمیدیم که چه خاکی به سرمان شده است. باید خون‌گریه کنیم. من که این چندماه هرجا عکس آقا را دیدم، اشکم درآمد. خدارحمش کند. من از همان جوانی که انقلاب شد، آقای خامنه‌ای را می‌شناختم. در همین مسجد کرامت سخنرانی می‌کردند. خدارحمش کند. من که کاری از دستم بر نمی‌آید، ولی گفتم یک شربت آلبالو درست کنم، در این هوای گرم به دست مردم بدهم که دلشان حال بیاید. خدارحمت کند آقا را. ما که کاری برای آقا نکردیم، ولی ایشان برای این انقلاب خیلی زحمت کشیدند.

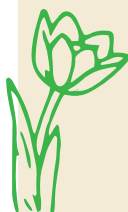
آقا توصیه الهام بخش می‌کردند

لیلی عاج، کارگردان سینما و تئاتر:



به باور من، معجزه‌ای در جامعه ما رخ داده است؛ اتفاقی بزرگ که شاید به دلیل «حجاب معاصر» هنوز نتوانسته‌ایم ابعاد آن را به درستی درک کنیم. بانوان این سرزمین کار بزرگی انجام داده‌اند.

ما با سیدعلی حسینی خامنه‌ای شهید، بزرگ شده‌ایم و امروز زنان ایران الگوی سوم زن مسلمان را به یک تجربه زیسته تبدیل کرده‌اند. نمی‌توان از بیداری و مبعوث شدن مردم سخن گفت و از حضور زنان در میدان‌ها یاد نکرد؛ همان‌گونه که در ماجرای تحریم تنباکو، در سال‌های دفاع مقدس و در بسیاری از بزنگاه‌های تاریخی، زنان نقش آفرین و میدان‌دار بوده‌اند. خاطریم هست که در دیداری با رهبر شهید در بیت رهبری به هر یک از بانوان فرصت کوتاهی برای صحبت داده شد. من از ایشان خواستم که نصیحتی به من بفرمایند. رهبر انقلاب در پاسخی کوتاه اما ماندگار فرمودند: «کار کنید و ناامید نباشید». این جمله ساده بسیار اثرگذار بود. زیرا در همان زمان در آستانه آغاز یک کار مهم قرار داشتیم و این توصیه برایم الهام بخش شد.





خودم برایش لباس ارتشی خریدم

روایتی مادرانه، از تک‌پسری
که شهید ناودنا شد

لیلا جانقربان‌ا‌خانه پس از چند ماه هنوز بوی غم می‌دهد. پرده‌هایی بلند که جلو تابیدن نور را گرفته‌اند و دیوارهایی که پر از بنرهای عکس ابوالفضل است، عکس‌هایی که همچنان باب دل مادر نیستند و منتظر است تا دوستانش بیایند و عکس‌های بهتری از پسر بیست و پنج‌ساله شهیدش بدهند؛ از شهید ابوالفضل حسینیایی.



اواخر سال پیش بود که دنارا زدند. خبرش همه جا پیچید، ولی بوی اندوه آن شاید به اندازه خیلی از اتفاقات در شهر نیچید! بوی اندوهی از شهادت پسرانی دهه‌هشتادی و دهه‌هفتادی که هنوز جوانی رادرست و حسابی به خودشان ندیده بودند؛ بویی که باید بیایی و در راباز کنی تا همه شامهات را بگیرد و چشم‌هایت را بی‌هوا خیس کند؛ خیس از چشم‌های مادری که به وصیت پسر شهیدش اشک‌هایش را پنهان کرده، اما نگاهش پر از غم است؛ غم مادری که دیگر پسری ندارد؛ مادری که حتی از دیدار پسر در لحظه تدفین هم نمی‌گذرد و حالا دلش را به فیلمی چند ثانیه‌ای از لحظه تلقین پسر خوش کرده و در میان انبوه پنبه‌هایی که همچنان خونی است، به دنبال صورت پسرش می‌گردد. «بیا این فیلم رو شما هم ببین. ببین صورتش رو می‌بینی؟ به نظرت توی کانالی که به نامش راه انداختم، بذارم؟، فیلم را که می‌بینم، می‌مانم که امیدوارش کنم یا نه!

قرار بود عید بیاید

«قرار بود عید بیاید و پیشم بماند...» این را در جواب این سؤال می‌گوید که آخرین بار پسر را کی دیده است. طیبه خانم ادامه می‌دهد: عاشق نظام بود و استخدام ارتش. آن قدر این شغل را دوست داشت که در چهار سالگی برایش یک دست لباس ارتشی خریدم. بزرگ‌تر که شده بود همیشه می‌گفت مامان، توی جمع‌های روضه‌هایی که می‌روی یا در خانه برگزار می‌کنی، به این خانم‌هایی که چند پسر دارند، پیشنهاد بده که یکی را بفرستند توی نظام. بعد که رفت، می‌دانستم که ابوالفضل توی نظام است، ولی نمی‌دانستم که غواص است. گاهی از کف دریا طوری تعریف می‌کرد که انگار در دنیای دیگری است. کلا زیر آب را بیشتر از این بالا دوست داشت. از شیرینی‌هایش برای من می‌گفت و از سختی‌هایش برای پدرش. کلا از بعد سربازی که افتاده بود توی ارتش، رفت دنبال اینکه استخدام شود. تحقیقاتش را بدون اینکه به ما چیزی بگوید، انجام داده بود. یک مدت ووشو می‌رفت. من فکر می‌کردم برای سرگرمی می‌رود. نگو برنامه داشته است!



شهید
ابوالفضل حسینیایی
تولد:
۱۳۷۹/۵/۱۳
شهادت:
۱۴۰۴/۱۲/۱۳

خواب‌بیهیکی از دوستان گفته بود که صدای همه‌را در این چند وقت شنیدم، جز صدای ماما نم را. گفته بود به ماما نم بگویند بیاید معراج و هر چه می‌خواهد گریه کند، ولی موقع تشییع اشکش در نیاید. پایم را که در معراج گذاشتم، ناخودآگاه بغضم شکست‌ویی اختیار گریه می‌کردم. حتی وقتی تابوتش را آوردند، با خودم می‌گفتم الان پس از شش ماه بچه‌ام را می‌بینم. فکر می‌کردم توی معراج اجازه می‌دهند تابوت را باز کنم و صورت پسر را برای آخرین بار ببینم. اما اجازه ندادند. گفتند بهشت رضا^(ع)، ولی آنجا هم اجازه ندادند. البته این‌ها هم بگویم که به خاطر همین دفن در بهشت رضا^(ع) هم من و هم خواهرش جلو یک فامیل ایستادیم. به خاطر شغل پدرش و جانبازی‌ای که دارد، می‌توانستیم ابوالفضل را رایگان در حرم دفن کنیم، ولی چون خودش دوست داشت در بهشت رضا^(ع) دفن شود، من اجازه این کار را ندادم و کلی هم با من برخورد شد، ولی به وصیتش عمل کردم و او را کنار رفقای شهیدش بردم. جنگیدم تا به وصیت پسر عمل کنم. پسر من از پارتی بازی خوشش نمی‌آمد. جالب اینکه یک هفته مانده به ماه رمضان، من در بهشت رضا^(ع) برای مراسم دعوت بودم. برای زیارت شهدای جنگ دوازده‌روزه که رفتم، کنار قبری که خالی بود، نشستیم و به دوستانم گفتم معلوم نیست اینجا چه کسی دفن شود، همان جا پسر من دفن شد.

پیکرش صورت نداشت

«پیکرش صورت نداشت»، این‌را می‌گوید و ادامه می‌دهد: خدا داشت من را آماده می‌کرد. شش ماه بود که او را ندیده بودم. در بهشت رضا^(ع) هم نگذاشتند او را ببینم. جای صورتش را با پنبه پر کرده بودند. سینه‌اش سوخته بود و من آنجا که این پیکر را دیدم، خوش حال شدم. چون یک عمر بود که توی روضه‌های امام حسین^(ع) و پای دیگ خواسته بودم نوکری من را قبول کنند. آنجا بود که فهمیدم نوکری من را قبول کرده‌اند. خیلی دوست داشتم پیکرش را توی بغل بگیرم و گریه کنم، ولی نگذاشتند. می‌خواستم بغلش کنم و دلم سبک شود، ولی اطرافیان نگذاشتند و کار بدی کردند که اجازه ندادند من مادر بچه‌ام را برای آخرین بار بغل کنم. من مادرش بودم. برای بچه‌ام هم چنین عاقبتی‌را می‌خواستیم؛ هر چند که خیلی به او وابسته بودم.

حرف‌هایمان که تمام می‌شود، گوشی‌اش را می‌آورد تا فیلم‌های روز تشییع را نشانم دهد. همه‌همه زیاد است. در میان صداها صدای مادرش است که به گوشم آشناست. پیکر را که تلقین می‌دهند، با هر تکانی می‌گوید: خدا حافظ ابوالفضل...

از یازدهم مهرماه دیگر ابوالفضل را ندیدم. می‌گفت بعد از اینکه سوار ناودنا شدم، برمی‌گردم. قرار بود کل عید را بیاید و پیشم بماند، ولی نیامد

نداشتم. وقتی ناودنا را زدند، خبردار شدم، ولی فکر نمی‌کردم همان ناوی باشد که پسر سوار آن است. در آخرین تماس تلفنی که با هم در دی ماه داشتیم، گفته بود شهید می‌شود. حتی گفته بود ممکن است پیکری هم نداشته باشد. از من هم خواست که اشکم را دشمن نبیند و خواست که در بهشت رضا^(ع) دفنش کنیم. باور نکردم. چون قرار بود عید برگردد و تمام عید پیشم باشد. متوجه نشدم که منظورش چیست. پدرش از شهدا تش خبردار شده بود ولی به من نگفته بودند. به پدرش هم کم‌کم گفته بودند. به من هم کم‌کم گفت. یک شب گفت زخمی است، یک شب گفت بستر است، یک شب گفت دستش قطع شده، یک شب گفت قطع نخاع است تا اینکه آخرش گفتند جاوید الاثر است. اما به لطف امام رضا^(ع) بدنش برایم برگشت، هر چند که اجازه ندادند آن را ببینم.

تنه‌جایی که گریه کردم

«تنه‌جایی که گریه کردم و بغضم شکست، معراج شهدا بود». این‌را می‌گوید و ادامه می‌دهد: دو هفته طول کشید که فهمیدم شهید شده است. سیزدهم اسفند پسر شهید شده بود، ولی تا به ما اطلاع دقیق دادند، دو هفته طول کشید. یکی از دوستانش آمد دم در و به من گفت که پیکرش آمده است و باید بروم معراج. از وقتی شنیدم شهید شده و بدنش آمده است، دیگر دلم آرام شد. ابوالفضل را از روی اثر انگشت‌هایی که زمان استخدام داده بود، شناسایی کرده بودند، و گرنه باید می‌رفتیم و آزمایش می‌دادیم. همه حرف‌هایش توی گوشم بود. خودش توی

از شهدای غواص زیاد چیزی می‌فرستاد. آخرین بار قرار بود داستان یکی از غواصی‌ها را بگوید که از شهادت برگشته بود و پا نداشت. اسم او را نگفت و قرار شد وقتی برگشت، برایم تعریف کند، ولی نیامد که برایم تعریف کند. می‌پرسم: آخرین بار کی با هم صحبت کردید؟ می‌گوید: بیستم دی ماه از یازدهم مهرماه دیگر ابوالفضل را ندیدم. می‌گفت بعد از اینکه سوار ناودنا شدم، برمی‌گردم. قرار بود کل عید را بیاید و پیشم بماند، ولی نیامد. ابوالفضل از آن پسرهایی بود که سالی یک دست لباس می‌خرید و سراسال که می‌شد، اگر استفاده نمی‌کرد، لباس‌ها را می‌بخشید. روی لباس‌های نظامی‌اش خیلی حساس بود و همیشه یک جای بلند آن‌ها را آویزان می‌کرد. هیچ وقت ندیدم روی تخت یا زمین بگذارد. برایش حکم ناموس داشتند و خیلی دوستشان داشت. اگر بچه‌ها می‌خواستند دست بزنند، از روی کاور اجازه داشتند. پسر من رنگ سفید را خیلی دوست داشت.

دوست داشتیم کنارمان باشد

«چون یک دانه بود، دوست داشتیم کنارمان باشد». این‌را در جواب این سؤال می‌گوید که می‌پرسم شما راضی بودید که به ارتش بروید؟ بعد می‌گوید: من می‌دانستم که علاقه دارد و مانعش نبودم، ولی پدرش صد درصد مخالف بود. یک دانه پسر بود و دوست داشتیم کنارمان باشد.

پیکرش را از امام رضا^(ع) خواستم

«من پیکرش را از امام رضا^(ع) خواستم». بعد با بغضی که نمی‌شکند، ادامه می‌دهد: شب‌هایی که مشهد بود، تا سحر می‌رفت حرم. از ساعت ۱۲ شب تا ساعت ۴ صبح توی حرم بود. همه صحن‌ها و رواق‌ها می‌رفت، توی سرما و گرما. اگر پدرش ماشین می‌داد بهش، با ماشین می‌رفت. اگر نه، پیاده. آخرش هم چیزی را که می‌خواست، از امام^(ع) گرفت. من هم وقتی شنیدم شهیدم جاوید الاثر است، پیکرش را از امام رضا^(ع) خواستم. رفتم حرم و گفتم آقا، به حرمت شب‌هایی که کنار شما آمده‌ام، حداقل یک انگشت از پسر من بده.

می‌خواهد گریه کند. دلش خون است از غیبت طولانی پسر، ولی به خاطر وصیت پسرش اشکی نمی‌ریزد. لحظه‌ای سکوت می‌کند و با صدایی لرزان ادامه می‌دهد: بچه‌ام را از مهرماه ندیده بودم. دوست داشتم صورت می‌داشت و برای آخرین بار او را می‌دیدم. ولی وقتی گفتند جاوید الاثر است، برایم خیلی سخت بود. تحملش را

حرف‌هایش را مستقیم نمی‌زد

«هیچ وقت حرف‌هایش را مستقیم نمی‌زد». این‌را می‌گوید و ادامه می‌دهد: از همان ۱۰ سال پیش خواب شهادتش را خودش دیده بود. می‌گفت ماما، دیدم که تابوت‌ها را توی خانه آوردند و تو و بابا کنار آن گریه می‌کردید. من تعبیر کردم که عمرت طولانی شده و گریه ما خوش حالی است. ولی خندید و گفت: نه، من قبل از سی سالگی شهید می‌شوم. من حرف‌هایش را باور نمی‌کردم. آن زمان جنگی در کار نبود و اصلاً فکرش را هم نمی‌کردیم. ولی وقتی که شهید شد، همه حرف‌هایش برایم اثبات شد.

می‌پرسم: ابوالفضل چه ویژگی‌هایی داشت که شهادت قسمتش شد؟ می‌گوید: احترام همه را به خصوص بزرگ‌ترها را خیلی داشت. روی حرف‌ها و پدرش اصلاً حرف نمی‌زد. اصلاً نمی‌گذاشت ما خم شویم و جلوش یک لیوان آب بگذاریم. از خودگذشتگی داشت. دیگران را به خودش مقدم می‌دانست. اگر از او کاری می‌خواستی، حتماً برایت انجام می‌داد. برایش فرقی نداشت غریبه باشی یا فامیل و آشنا. هوای بچه‌بچه‌ها به خصوص رفقای بود که مادر نداشتند، خیلی داشت. می‌گویم این‌ها را از شما یاد گرفته بود؟ نه، روی دستم بلند شده بود. من که هر چه دارم، از دعای پدرشوهر و مادرشوهرم دارم، ولی جلو ابوالفضل کم می‌آوردم. همیشه به دختر و پسر مسائل را توضیح می‌دادم و راه بهشت و جهنم را نشانشان می‌دادم و می‌گذاشتم خودشان انتخاب کنند. همیشه می‌گفتم ماما، هر قدر که می‌توانی، خوب باش. بعضی وقت‌ها می‌گفت ماما، اگر خطا کنم، چوبش را می‌خورم. خودش حواسش بود. همیشه به من می‌گفت قلب منی ماما، برایم شعرهای مادرانه می‌فرستاد. من هم برایش شعرهای پسرانه می‌فرستادم و خدا را شاکر بودم برای چنین پسری.

می‌گفت داستان شهید ختم را بگو

«من ۲۱ سالم بود که ابوالفضل به دنیا آمد». این‌را در جواب این سؤال می‌گوید که اختلاف سنی‌شان را جویا می‌شوم. ادامه می‌دهد: همیشه وقتی با هم تلفنی یا تصویری صحبت می‌کردیم، یکی از سؤالاتش این بود که ماما، برای کدام شهید ختم صلوات برداشته‌ای. یک سالی بود که ختم قرآن و صلوات برای شهید برداشته بودم. درباره شهید تحقیق می‌کردم و یکی را انتخاب می‌کردم. هر هفته زنگ می‌زد و می‌گفت ماما، داستان شهیدی که انتخاب کرده‌ای، برایم تعریف کن. برایم



روایتی از بانوان هنرمندی که حمایت از محیط زیست و کودکان مبتلا به سرطان را با هنرشان پیوند زده‌اند

جانی به تکه پارچه‌ها برای داروی بچه‌ها

ریحانه بنازاده | مغازه و بترین ندارد، اما از همان پشت شیشه رنگ‌ها و سوسه‌مان می‌کنند. رگال‌ها پر از رنگ و نقش است. قفسه‌ها نه فقط محل چیدمان کالا، بلکه نمایشگاهی از عشق، خاطره، معنا و مهر هستند. اینجا «مهرانه» است؛ حاصل دغدغه‌مندی تعدادی از بانوان که تصمیم گرفته‌اند اوقات فراغتشان را به کاری گره بزنند که هم به طبیعت احترام بگذارند و هم مرهمی برای درد کودکان مبتلا به سرطان باشند.

آغاز یک مسیر دوستانه

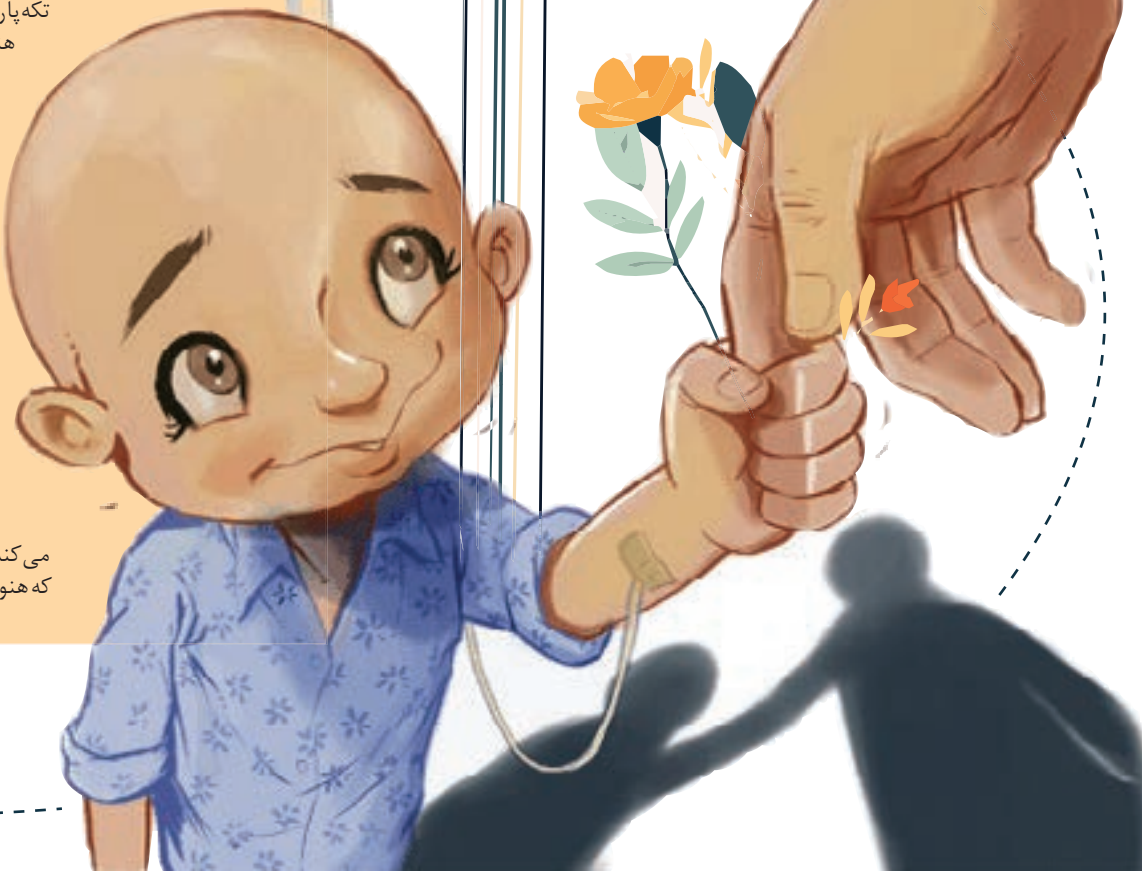
مرضیه رضایی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، همراه با دوستش، اعظم قناعتی، خیاط با سابقه، آغازگران این مسیر هستند و این‌طور می‌گویند: «مهرانه نه با سرمایه‌گذاری بزرگ و نه با برنامه‌ای از پیش طراحی شده، بلکه از دل یک فعالیت دوستانه در خانه شکل گرفته است. هدفمان ساده بود، گذراندن اوقات فراغت به شکلی هدفمند و پاسخ به یک دغدغه مشترک که حفظ محیط زیست و جان بخشیدن به کودکان بود. اعظم قناعتی کسی بود که تکه پارچه‌های دورریختنی را به خانه آورد و در این باره می‌گوید: کار من با پارچه‌هایی است که معمولاً دورریز محسوب می‌شوند. این تکه‌ها به جای آنکه سر از سطل زباله درآورند، روی میز خانه پهن شدند و به تصویرهای خلاقانه بدل گشتند. تصویرسازی با پارچه‌ها آن قدر زیبا و الهام‌بخش بود که خیلی زود دوستان دیگر هم به جمع ما اضافه و جذب این نقاشی پارچه‌ای شدند.»

هنر از دل احساس و ادراک

پس از گذشت چندین ماه، امروز مهرانه یک تیم حدود بیست نفره است؛ با حضور بانوانی که برخی در خانه و برخی در کارگاه و مغازه فعالیت دارند که همگی داوطلبانه و افتخاری است. آثار هنری این‌جا محصول دست‌ورعمل یا الگویی از پیش تعیین شده نیست، این راشادی شاملو، نویسنده و ایده‌پرداز کارهای سوزن دوزی تیم، می‌گوید و ادامه می‌دهد: «خلق آثار ابداعی، بیشتر از آنکه وابسته به تکنیک باشد، از تراوش حس و حال دلی جمعی ماست. گاهی از فضای مجازی الهام می‌گیریم، اما اصل کارمان تجربه زیسته و نگاه شخصی است. اصل حرکت برای کمک هزینه تهیه داروهای کودکان مبتلا به سرطان است، اما نگاه محیط‌زیستی در مهرانه بسیار پررنگ است. مرضیه خانم بیشتر در باره‌اش توضیح می‌دهد: پارچه‌ها در وضعیت خاص (دفن در خاک) تجزیه می‌شوند، اما متأسفانه هنوز در ایران سیستم تفکیک و دفع پارچه وجود ندارد و بیشتر با زباله‌های دیگر ادغام می‌شوند. پارچه‌های پلاستیکی ممکن است سی‌چهل سال در محیط زیست باقی بماند، اما پارچه‌های نخی زمان کوتاهی می‌برد. همین واقعیت تلخ، انگیزه جدی برای استفاده دوباره و خلاقانه از تکه پارچه‌ها برای ما شد. در ادامه صحبت‌های او، شادی خانم می‌گوید: بعضی خیاط‌های امروزی برخلاف گذشته کمتر حوصله تبدیل تکه پارچه‌ها به چهل تیکه را دارند. مهرانه این حلقه گم‌شده را پیدا کرده است. تکه پارچه‌های اهدایی مزون‌ها یا طاقه‌های پایانی پارچه‌فروشی‌ها با نگاهی هنرمندانه به آثاری فاخر تبدیل می‌شود که خیلی‌ها از دیدن آن‌ها تعجب می‌کنند و باور ندارند که این‌ها را کلی بالا و پایین کرده‌ایم تا کنار هم به اثری هنری تبدیل شوند که هم طبیعت حفظ شود و هم فروش آن درآمدی باشد برای نجات جان کودکی گرفتار در دام سرطان.»

تنوع محصولات، یک امضای مشترک

هرچه از هنر و خلاقیت بخواهید، اینجا پیدا می‌شود. در میان محصولات از لباس، رومی‌زی، روان‌داز و کیف گرفته تا تابلوهای هنری و کیسه‌های هدیه پیدا می‌شود. شادی شاملو در این باره می‌گوید: برای من خلق هر اثر هنری داستان و قصه خودش را دارد. گاهی برایم لباس‌های قدیمی‌هایی را می‌آورند که بیش از صدسال قدمت دارد یا پارچه‌های داخل صندوقی را اهدا می‌کنند که از نسل قبل از خودشان بوده است. پیش از آنکه لباس‌ها یا پارچه‌ها را تکه‌پاره کنم، به دقت نگاه می‌کنم و خودم را در گذشته تصور می‌کنم. در نهایت خیال بافی‌هایم را با فیچپی می‌برم و آن‌ها را به یک اثر هنری تازه و نو تبدیل می‌کنم. گاهی سرانگشتانم گزگز می‌کند. وقتی سوزن به جای پارچه در سرانگشتانم فرومی‌رود می‌سوزد، مطمئنم که هنوز زنده‌ام. لباسی که از یک پارچه اهدایی ساخته شده یا رومی‌زی‌ای که از





سختی‌ها و پشتوانه‌ها

مسیر مهرانه آسان نبوده است. هزینه‌ها و سرمایه اولیه عمدتاً توسط مرضیه رضایی و همسرش تأمین شده است. این راشادی شاملومی گوید و ادامه می‌دهد: از همان اول از خانه‌شان به عنوان کارگاه استفاده می‌شد، تا الان که فروشگاه‌ها برپا کرده‌اند که محل فروش آثار هنری مهرانه باشد. برای مستمر بودن مهرانه پشتوانه مالی لازم است که در حد توانایی همراهی می‌کنیم. زیرا همه اعضا باور دارند که این کار باعث برکت زندگی‌شان شده است.

مرضیه رضایی این‌طور برایش این کار معنا پیدا کرده است که: آدمیزاد یک سقف بالای سر و یک لقمه نان نیاز دارد و بس. پول جمع کردن و حرص مال دنیا را خوردن تلاشی بیپوده است. معنای زندگی من همین فعالیت هنری با نیت سلامتی کودکان است. مرضیه خانم دو فرزند دختر دارد و همسری که همیشه در کنارش است.

فروش، نه از سر هیجان

«در مهرانه تخفیف به معنای رایج وجود ندارد. این را مرضیه خانم می‌گوید و ادامه می‌دهد: قیمت‌ها طوری تنظیم شده‌اند که هم‌شان هنر حفظ شود و هم افراد بتوانند مالی متفاوت بتوانند مشارکت کنند. آثار خلق شده از مبلغ‌های صد هزار تومانی تا چند میلیون تومان است. هدف ما کمک به بچه‌ها و آسیب‌زدن به محیط زیست است. این معلم بازنشسته حتی با خرید هیجانی هم موافق نیست و می‌گوید: صرف اینکه درآمدی به خیریه برسد، کافی نیست، بلکه کالا باید مورد نیاز هم باشد. در مهرانه تولید محصولات هنری با هدف کیفیت ماندگاری بالاست؛ محصولی که چند سال قابل استفاده باشد، نه دور انداختنی و زودگذر.

داشت. او از وقتی بهبود بچه‌ها را دید و اینکه سرطان کودکان اگر به موقع تشخیص داده شود، درمان شدنی است، همه تلاشش را با گروهش می‌کند که در هزینه‌های درمان کمکی باشد تا مبادا روزی خانواده‌ای مجبور باشد به خاطر هزینه‌ها، درمان فرزندش را رها کند.

از خانه تا فروشگاه

مرضیه خانم در ادامه به شروع رسمی فعالیت گروهشان اشاره می‌کند که از اردیبهشت ۱۴۰۳ بوده است، اما شادی خانم، شروع را از سال ۱۴۰۱ می‌داند، همان روزهایی که مرضیه خانم پایش شکسته و دست‌هایش بیکار مانده بود. می‌گوید: اول پیشنهاد کار با کاموهای کنار گذاشته‌ام را دادم که باید به موتیف‌های رنگارنگ (بافت‌های کوچک قلاب بافی) تبدیل می‌شد. هر هفته خانه مرضیه خانم می‌رفتم و کارها را برایش می‌بردم و او هم تا هفته بعد آن‌ها را به هم وصل می‌کرد. شادی شاملو برای نشان دادن نمونه کار به پتوهای رنگارنگی اشاره می‌کند که روی رگال نشسته‌اند و خودنمایی می‌کنند.

خانم رضایی درباره چگونگی انتخاب عنوان مهرانه برای فعالیتشان می‌گوید: اتفاقی بود، اما معنادار انتخاب شد. در یکی از دورهمی‌های دوستانه که بودیم، وقتی صحبت از فعالیت‌های هنری بود، یکی از آشنایان گفت وقتی کارتان پر از مهر و عشق است، چرا اسمش مهرانه نباشد؟! در آن روز بود که اسم مهرانه متولد شد و بلافاصله به لوگو و عنوان صفحه مجازی ما تبدیل شد. البته این را بگویم که فروش ما مستقیم به حساب خیریه می‌رود. حتی حساب مشترک هم نداریم و با دستگاه کارت‌خوان خود مؤسسه کار می‌کنیم.

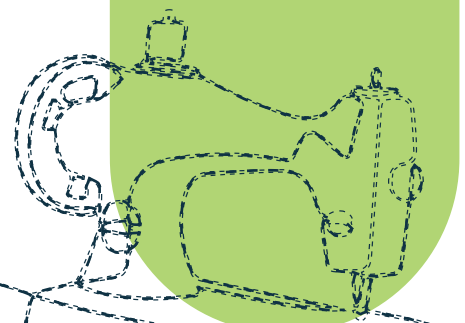
پارچه‌های قدیمی جانی تازه گرفته است. برایم معنا دارد، نه خستگی و سوزش جای سوزن! به نظر من تکه پارچه‌های قدیمی فقط یک پارچه ساده نیستند، خاطره‌اند، روایت‌اند که در من باعث انگیزه خلق یک اثر هنری برای درمان بچه‌ها می‌شوند.

اشتیاق برای ادامه

کم کم حرف از انگیزه‌ای فداکارانه می‌شود که این خانم‌ها پای آن ایستاده‌اند. مرضیه رضایی از مؤسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان می‌گوید: بیش از ۴ هزار و ۷۰۰ کودک زیر پوشش این مؤسسه هستند. هزینه دارو و درمان هر کودک در یک روز حدود ۲۵۰ هزار تومان می‌شود. این مؤسسه از سال ۱۳۹۴ شروع به فعالیت کرد و بیش از ۱۰ سال است که فعالیت می‌کند. همکاری ما با برگزاری بازارچه‌های هنری با این مؤسسه شروع شد و ادامه پیدا کرد. من یکی که با شور و اشتیاق هر صبح بیدار می‌شوم و با انگیزه کارهای خانه را می‌کنم و خودم را به اینجا می‌رسانم. وقتی فروش خوب و رضایتمندی مشتریان را که آن‌ها هم در کار خیرخواهانه شریک بوده‌اند، می‌بینم، دوچندان انگیزه می‌گیرم.

نهاد امید

به خاطرات خانم‌های مهرانه ای می‌رسیم. مرضیه خانم بهترین خاطره‌اش را از جشن بهبودیافتگان می‌داند. بالبخندی رضایتمندانه می‌گوید: پسر جوانی آنجا بود که می‌گفت از کلاس هفتم مبتلا به سرطان شده است. از درد‌هایش برایش گفت، ولی اینکه گفت حالا کاملاً بهبود یافته است، برایم بهترین خبر بود. خبر سلامتی بچه‌ها در آنجا حال عجیبی برایم





لباسی که از یک پارچه اهدایی ساخته شده یا رومیزی‌ای که از پارچه‌های قدیمی جانی تازه گرفته است، برایم معنا دارد، نه خستگی و سوزش جای سوزن! به نظر من تکه پارچه‌های قدیمی فقط یک پارچه ساده نیستند، خاطره‌اند؛ روایت‌اند که در من باعث انگیزه خلق یک اثر هنری برای درمان بچه‌ها می‌شوند.

نگاه به آینده

مهرانه آرام و پیوسته جلومی‌رود. رضایی درباره ثبت‌مهرانه می‌گوید: کارهای ثبت‌مهرانه به‌عنوان سازمان مردم‌نهاد در دست اقدام است. برگزاری نمایشگاه در سراسر ایران و حتی ارسال آثار به خارج از کشور از برنامه‌های آینده‌مان است. در خانه‌های زیادی بانوان با استعدادی هستند که مهرانه می‌خواهد این ظرفیت‌ها را شناسایی و جذب کند. سوزن دوزی، کوک دوزی، تکه‌دوزی و... از فعالیت‌های هنری است که مهرانه با کمال میل از علاقه‌مندان و کسانی که تخصص دارند و می‌خواهند در این فعالیت خیرخواهانه کنار ما باشند، استقبال می‌کند.

شادی شاملودر ادامه می‌گوید: ما گاهی می‌خواهیم برای نزدیکانمان خیراتی بکنیم، اما توان مالی نداریم. من با هنرمند این خیرات را انجام می‌دهم. اتفاق که فقط پول دادن نیست!

انفاق ما گاهی هنرمان است. ما اولین گروه هنری هستیم که در حال انجام چنین فعالیتی برای درمان کودکان مبتلا به سرطانیم. در این وضعیت سخت اقتصادی با هنرمان در عملی خیرخواهانه پیشگام شده‌ایم؛ آن هم برای کودکان سرزمینمان. خوشبختانه با استقبال خوب مشتریان روبه‌رو هستیم که این بی‌شک به‌جز لطف خداوند نیست. سرطان در اقوام و آشنایان او یک تجربه نزدیک بوده است. درد فروریختن و از دست دادن را از نزدیک دیده‌است. به همین دلیل است که مهرانه برای او فروشگاه یا کارگاه نیست، بلکه جایی است که زندگی دوباره در تاروپود پارچه‌ها دوخته می‌شود.

زنان، قلب تپنده مهرانه

کیف‌های رنگارنگ و تکه‌دوزی شده با دوخت‌ها و اندازه‌های مختلف یکی از شگفتی‌های هنری در مهرانه است که دوزنده‌ان بانوانی خوش‌ذوق و



باسلیقه در مهرانه هستند. زهراراهی زوارزاده، خانه‌دار و مربی خنده‌درمانی است که مسئول دوخت کیف‌ها نیز هست. او می‌گوید: برای رسیدن به آرامش و احساس خوب راه‌های زیادی وجود دارد. این کیف‌ها راه ارتباطی من با قلب کودکانی است که می‌دانم برای زنده ماندن باید کنارشان باشم. هر موقع خانواده‌هایی را می‌بینم که فرزندشان مبتلا به سرطان است، قلبم آتش می‌گیرد و این فعالیت‌ها را وظیفه انسانی خودم می‌دانم. حضورم در این جمع لطف خدا و فعالیت‌م زکات سلامتی‌ام است.

بتول ثقفی، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش، می‌گوید: حس خوب این‌جا را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم. قلبم است که من را به اینجا می‌کشد. اعظم قناعتی، یکی از خیاط‌های مجموعه نیز، معتقد است که دست‌مزدش عشق است. آشنایی با افراد جدید، یادگیری بیشتر و این حس که شاید هنرشان باعث سلامتی یک کودک باشد، بزرگ‌ترین انگیزه او برای ادامه دادن است.

مریم معدنی بازنشسته آموزش و پرورش است و با مادرش زندگی می‌کند. می‌گوید: همیشه آرزوی فعالیت در کارهای خیرخواهانه را داشتم. مهرانه من را به آرزویم رساند. مادرم همیشه می‌گوید از وقتی تو به مهرانه رفته‌ای، هر وقت مشکلی پیش می‌آید، به راحتی حل می‌شود. تو چه کار

می‌کنی! من هم

مثل مادرم باور

دارم خیر و

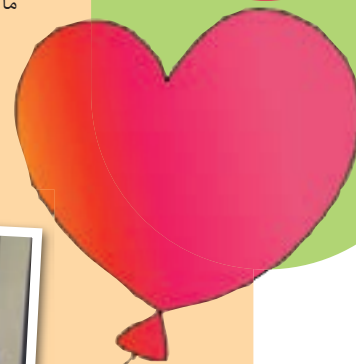
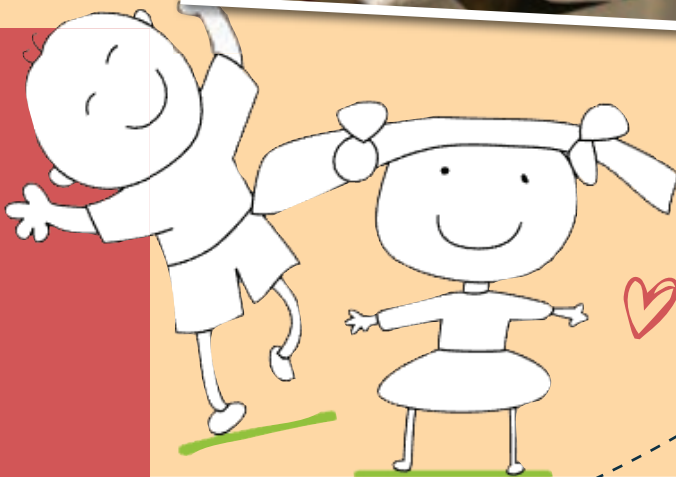
برکت در

این راه اتفاقی

نیست، بلکه روزی‌ای

است که قسمت‌مان می‌شود.

در حال حاضر تیم مهرانه شامل ۲۵ بانوی نیک‌اندیش است که در هفته به نوبت در هنرکده حضور پیدا می‌کنند. با بانوانی که در این گزارش شرکت کرده‌اند به نمایندگی از این ۲۵ نفر در روز کاری خود صحبت کرده‌ایم.



قرارگاه خانگی

۱۱ تا ۲۱



در این پرونده از شهربانو در باره روضه های خانگی که امسال رنگ و بویی دیگری به خود گرفته اند و بیش از گذشته اثر گذار بوده اند، نوشته ایم. با همراهی ما در این پرونده می توانید در باقیمانده ماه محرم و صفر یک اتفاق خاص را در خانه و خیابان رقم بزنید





قرارگاه خانگی

محرم و صفر امسال را به میدانی برای فعالیت‌های اجتماعی تبدیل کن

مریم احمدی ادر کنار سوگواری، محرم و صفر می‌تواند میدان عمل اجتماعی نیز باشد. یکی از مهم‌ترین این میدان‌ها، روضه‌ها و مجالس این ایام‌اند. محرم ۱۴۰۵ تنها موسم سوگ نیست؛ فرصتی است برای تبدیل اشک به اراده، برای آنکه هر خانه یک سنگر مهربانی و هر روضه یک قرارگاه همدلی باشد. محرم امسال بوی «مواسات زینبی» می‌دهد. روضه‌های خانگی نباید صرفاً به گریه ختم شوند؛ این مجالس در بافت مذهبی ایران همواره کانون تپنده معنویت در محلات بوده‌اند. اما در تقویم ۱۴۰۵، تقارن زخم‌های برجمانده از نبردهای اخیر با ایام عزای حسینی، ایجاب می‌کند این محافل از حالت صرفاً آیینی خارج شوند و به اتاق‌های عملیات محلی، تغییر وضعیت دهند. اگر سیره زینبی در کاروان اسراء، مراقبت از جان‌ها و دل‌های لرزان بود، امروز نیز هر استکان چای روضه باید طعم هم‌بستگی ملی بدهد. در ادامه، نقشه‌راهی برای تبدیل هر خانه به یک سنگر پشتیبانی و هر مجلس به یک قرارگاه همدلی را مرور می‌کنیم.

اصلاح ساختار نذورات اولویت‌بندی بر اساس ضرورت‌های ملی

زرق و برق پذیرایی‌های تجملی، در شرایطی که بخش‌هایی از کشور درگیر بازسازی پس از بحران‌اند، با منطق مواسات هم‌خوانی ندارد.

راهبرد اجرایی

پیشنهاد می‌شود صندوقی با عنوان «مواسات زینبی» تشکیل شود. بانین محترم می‌توانند با ساده‌سازی حداکثری پذیرایی، در حد یک استکان چای نذری، مابه‌التفاوت هزینه‌های مرسوم را به این صندوق اختصاص دهند.

هدف‌گذاری

منابع این صندوق می‌تواند برای ترمیم زخم‌های جنوب کشور هزینه شود؛ از بازسازی مدرسه «شجره طیبه» در میناب تا حمایت معیشتی از خانواده‌هایی که نان‌آوران خود را در جنگ تحمیلی رمضان از دست داده‌اند. با این اقدام، روضه خانگی در مشهد یا هر شهر دیگر، به شریانی حیاتی برای مناطق آسیب‌دیده تبدیل می‌شود.

فعال‌سازی شبکه اطلاعاتی شناسایی «زخم‌های پنهان»

هوش اجتماعی و دقت نظر بانوان در روابط، قدرتمندتر از هر سامانه پایش دولتی است. روضه‌های زنانه، بهترین بستر برای شناسایی خانواده‌هایی است که در سکوت و با حفظ عزت نفس، زیر چرخ‌دنده‌های فشار اقتصادی و اثرات پساجنگ در حال فرسایش هستند.

پیشنهاد عملیاتی

اختصاص دقایق پایانی روضه به «پایش محلی». شناسایی خانواده‌های پناهنده از شهرهای جنگ‌زده یا همسایگانی که کسب و کارشان دچار فروپاشی شده است.

خروجی

تبدیل جمع‌های زنانه به «قرارگاه‌های مهربانی» برای تهیه بسته‌های معیشتی و پیوندهای حمایتی بدون آسیب به آبروی افراد.

جهاد علمی و مهارتی نذر تخصص برای نسل آینده

تعطیلی ناخواسته مدارس و اختلال در روند آموزش، عدالت آموزشی را هدف قرار داده است. سوگواری برای طفل غریب کربلا، امسال می‌تواند در قالب حمایت از کودکان این سرزمین متجلی شود.

نذر «وقت و مهارت»

متخصصانی که در روضه‌ها حضور دارند، از معلمان و پزشکان گرفته تا مشاوران، می‌توانند ساعتی از هفته خود را به آموزش رایگان دانش‌آموزانی که از تحصیل جامانده‌اند یا به ارائه مشاوره به خانواده‌های مضطرب اختصاص دهند. چنین اقدامی می‌تواند پاسخی مستقیم به تلاش دشمن برای تضعیف روحیه و دانش نسل جوان باشد.

مرزبندی

میان «شور صرف» و «شعور حسینی»

در دنیای پرهیاهوی مجازی، گاهی نسخه‌های بدل جای اصل را در عزاداری‌ها می‌گیرند، عزاداری‌هایی که هیچ لریزه‌ای بر اندام ستمگران زمانه نمی‌اندازد.

تشخیص هوشمندانه

روایتی که تنها به سر و صورت زدن خلاصه شود و در برابر جنایات امروز مثلث استکبار سکوت کند، روایتی ناقص و ایتر است. رسالت امروز ما، ترویج محافلی است که «حسین زمان» و یارانش را به عالم بشناساند.

خروجی راهبردی

عزاداری تراز آن است که خروجی‌اش، اراده برای مبارزه، باشد. اشکی که پشتوانه سیاسی و حماسی نداشته باشد، به هدف نرسیده است.

نذر روشنگری

شکستن حصر تبلیغاتی

در روزگاری که دشمن با «بزرگ‌نمایی ضعف‌ها» به دنبال ترور امید است، هر کاربر فضای مجازی یک «سرباز خط مقدم» است.

تغییر فاز از انفعال به تهاجم

نذر امسال ما می‌تواند «نذر محتوا» باشد. به جای باز نشر مکرر مشکلات (که دشمن بر آن سوار می‌شود)، «فکت‌های پیروزی» و نمادهای حیات جاری در رگ‌های میهن را منتشر کنید.

روایت زندگی

بنویسید که چگونه با وجود نبرد دیپلماتیک و اقتصادی، چرخ‌های زندگی در وجه به وجه این خاک، از میناب تا تهران، با قدرت می‌چرخد. باز نشر حقایق مقاومت و دستاوردهای واقعی، پادزهر اساسی در برابر محاصره تبلیغاتی دشمن است.

خطبه‌خوانی مدرن

مادران باید ورودی‌های ذهنی خانواده را مدیریت کنند و اجازه ندهند، ویروس ناامیدی، گوشه‌های فرزندان را آلوده کند.

روایت عزت

به جای تمرکز صرف بر مظلومیت، باید «روایت قدرت» را هم صادر کرد. اگر از شهید مدرسه میناب می‌گوییم، باید بر «ادامه داشتن راه» تأکید کنیم. دشمن می‌خواهد ما را «قربانی» نشان دهد، اما ما «قهرمانان سربلند» این نبردیم.



بازگشت به خانه

احیای مرجعیت فکری

جاودانگی آرزوی دیرینه بشر است؛ همان وسوسه‌ای که شیطان با آن آدم را فریفت. اما حقیقت جاودانگی نه در درخت ممنوعه که در «اخلاص» نهفته است.

عملیات خانگی

محرم امسال، سفره‌های روضه‌خانگی را به «اتاق فکر» تبدیل کنید. وصیت‌نامه و جملات کلیدی شهیدان را از طاقچه‌های غبارگرفته به متن زندگی بیاورید.



بررسی جایگاه حضور خانوادگی در خط مقدم حضور اجتماعی

سنگر خیابانی

دکتر نرگس موحدی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان



مریم احمدی شاید آن لحظه که جلوی آینه چادرت را مرتب می‌کنی و دست کوچک فرزندت را می‌گیری تاراهی روضه محله یا تجمع میدان شوی، فکرش را هم نکنی که همین قدم‌های آرام و زنانه، چگونه لرزه بر اندام دشمن می‌اندازد. ما به خیابان آمدیم تا بگوییم کربلا تمام نشده و هر کوچه، سنگری است برای روایت حق. حضور ما نه یک تجمع ساده که یک بعثت خانوادگی است؛ جایی که مادران با صبوری و کودکان با لبخندشان، اجازه نمی‌دهند روایت دروغین دشمن بر حقیقت این سرزمین غلبه کند. در همین زمینه با دکتر نرگس موحدی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، همراه می‌شویم تا این رسالت بزرگ خانواده در خط مقدم نبرد و نقش آفرینی زینبی بانوان را بازخوانی کنیم.

کربلا در ایران تکرار شد

واقعه عاشورا و نقش آفرینی حضرت زینب کبری (س) در حفظ و انتقال پیام کربلا، الگویی جاودان برای تمام اعصار و از جمله انقلاب اسلامی ایران بوده است. شهادت مظلومانه حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای در شرایطی رخ داد که ایشان در اوج مظلومیت و اقتدار، در برابر جبهه استکبار جهانی ایستاده بودند. این شهادت، شباهتی عمیق با شهادت مقتدای ایشان، امام حسین بن علی (ع) دارد؛ چه آنجا که باطل بر پیکر مطهر حق فرود آمد و چه اینجا که استکبار جهانی با تمام توان خود، نظام اسلامی را هدف قرار داد. به راستی که کربلا در ایران تکرار شد. در صحرای کربلا، سپاه عمر سعد با خنجر ظلم، گلوی حسین زمانه را برید، اما نتوانست صدای حق را خاموش کند. امروز نیز دشمنان اسلام و انقلاب، با طراحی عملیات‌های تروریستی پیچیده - که آخرین و دردناک‌ترین آن‌ها شهادت مظلومانه رهبر معظم انقلاب بود - تصور می‌کردند که نظام اسلامی را بدون سکان‌دارها کرده‌اند. اما غافل از اینکه همان گونه که حضرت زینب (س) پس از عاشورا، با روایتگری خود، خون حسین (ع) را از فراموشی حفظ کرد، این بار نیز مردم ایران، زینب‌وار در خیابان‌ها حضور یافتند تا خون رهبر شهید پایمال نشود.

خیابان؛ صحنه نبرد روایت‌ها

نقش خیابان در جنگ نرم و سخت در این شباهت تاریخی به خوبی نمایان می‌شود. خیابان در ایران معاصر، صحنه نبرد روایت‌هاست. در جنگ نرم، دشمن با سلاح رسانه و دروغ‌پراکنی تلاش می‌کند تا آرمان‌های انقلاب را وارونه جلوه دهد. اما خیابان‌های ایران، با حضور میلیونی و خانوادگی، به کربلایی بدل شده است که هر کوچه و خیابان آن، روایتگری زینب‌گونه را فریاد می‌زند. مادران با فرزندان خردسال، پدران با جوانان، دختران و پسران نوجوان، همگی با حضور شبانه خود در خیابان‌ها، «هیبت‌منا الذله»، را فریاد می‌زنند. در جنگ سخت، نقش خیابان و خانواده، سنگر دفاع از تمامیت ارضی و امنیت ملی است. دشمنان که در شهادت مظلومانه رهبر، طعمه خود را زخمی می‌پنداشتند، تصور می‌کردند که اکنون زمان هجوم نظامی یا براندازی فرا رسیده است. اما حضور خانوادگی در خیابان‌ها نشان داد که هر خانواده ایرانی، یک پایگاه مقاومت است. خون‌خواهی رهبر شهید، نه یک شعار، بلکه یک اراده ملی شد. مردم در خیابان‌ها، با مشت‌های گره کرده و شعارهای کوبنده «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل»، به دشمن فهماندند که خون پاک رهبرشان، نظام را مستحکم‌تر ساخت.

عشق
من
ایران
و وطنم

برای خودت الگوبساز

امسال یک الگوی به روز سوگواری و مقاومت برای خودت آماده کن



منصوره تقریبی، استاد حوزه و مبلغ دینی



محرم و صفر امسال حال و هوای دیگری دارد. در روزگاری که جامعه با داغ‌های تازه و زخم‌های عمیق روبه‌روست، این پرسش بیش از همیشه مطرح است که چگونه می‌توان سوگواری را به فرصتی برای آگاهی، امید و استقامت تبدیل کرد.

* مدیریت جو خانه

اولین قدم، مدیریت فضای خانه و محله است. زن، ستون روانی خانواده است و اگر بتواند در روزهای سخت، آرامش و امید را در خانه حفظ کند، فرزندان نیز احساس امنیت خواهند کرد. سوگواری لازم است، اما نباید به فرسودگی و یأس جمعی تبدیل شود. وقتی مادر استوار بماند، فرزندان هم احساس امنیت و امید می‌کنند. نقش مادر این است که نگذارد فضای خانه زیر فشار اخبار تلخ و تکراری سنگین شود.

* روایت «چرا» به جای «چگونه»

دوم، روایت «چرا» به جای «چگونه» در «چگونگی» حادثه است. حضرت زینب (س) در برابر تحریف ایستادند و معنای مقاومت را روشن کردند. در جمع‌های خانوادگی و دوستانه نیز باید بیش از جزئیات تلخ، از هدف، معنا و ستاوردا ایستادگی سخن گفت. دشمن معمولاً بر «چگونگی» حادثه مانور می‌دهد تا ترس و اضطراب ایجاد کند، اما روایت زینبی بر «چرا» متمرکز است. روایت چرایی، هدف جبهه حق و باطل را روشن می‌کند. در جمع‌های خانوادگی یا دوستانه، به جای غرق شدن در جزئیات تلخ، باید از هدف و معنای ایستادگی سخن گفت.

* مبارزه با شایعه

سوم، مقابله با شایعه و تحریف در فضای مجازی و جمع‌های محلی است. امروز هر تلفن همراه می‌تواند منبر باشد، بنابراین هر زن می‌تواند با یک واکنش آرام و هوشمندانه، در برابر خبرهای بی‌پایه و ناامیدکننده بایستد. در برابر شایعه وارد بحث و جدل نشوید، آرام و محترمانه پاسخ دهید و از باز نشر خبرهای بی‌منبع خودداری کنید.

* حفظ وقار و مناعت

الگوی زینبی به ما می‌آموزد که حتی در اوج مصیبت و تنگنا، نباید «شکست خورده» و «مضطرب» به نظر رسید. عزت زینبی یعنی بانو در عین تحمل سختی‌ها، چنان با وقار و صلابت رفتار کند که بدخواه و دشمن، در او نشانی از ضعف و پشیمانی نبیند. آراستگی ظاهر و متانت در گفتار، حتی در روزهای سخت، پیامی از قدرت درونی ما به جامعه مخابره می‌کند.

* اشک باصلابت

چهارم، اشک باصلابت است. گریه بر مصائب اهل بیت (ع) باید انسان را به عمل برساند. اگر برای رنج دیگران اشک می‌ریزیم، باید در پایان از خود پیرسیم برای التیام آن رنج چه کرده‌ایم. زینبی بودن یعنی بعد از اشک، قدمی برای خیر و همدلی برداشتن. گریه بر امام حسین (ع) باید به آمادگی برای یاری حق برسد. بعد از هر روزه، از خود پیرسیم: برای اطرافیانمان چه کرده‌ایم؟ زینبی بودن در جغرافیای امروز، یعنی تبدیل «رنج شخصی» به «اقتدار اجتماعی». اگر عسرت و سختی زمانه، تلاشی برای به زانو درآوردن روح جامعه است، زن با الگوی زینبی، همان کسی است که ایستاده بر بلندای مصیبت، روایت «ماریت‌الا جمیل» را به متن زندگی برمی‌گرداند. نقش اجتماعی بانوان در محرم ۱۴۰۵، فراتر از سوگواری، «صیانت از معنای زندگی» است. زن تراز این مکتب، اجازه نمی‌دهد داغ‌ها به بن بست برسند؛ بلکه از دل هر اشک، نوری برای هدایت و از هر مرثیه، اراده‌ای برای ایستادگی استخراج می‌کند. عزت ما در گروهی همین روایتگری است؛ روایتی که در آن، زن نه یک قربانی منفعل در میانه حوادث، بلکه ستون استواری است که با حفظ امید در جان خانواده، شکوه و سربلندی یک ملت را تضمین می‌کند.

هر خانواده یک زینب (س) است

حضور خانوادگی در خط مقدم این نبرد، نقشی دقیقاً مشابه با نقش حضرت زینب (س) در کربلا دارد. زینب کبری (س) نه یک فرد، بلکه یک خانواده بود که در میان نیزه‌ها و اسارت، پیام عاشورا را به نسل‌ها رساند. در ایران امروز نیز هر خانواده، یک زینب (س) است. وقتی مادری در شب شهادت رهبر، کودک خود را بر دوش می‌گیرد و به خیابان می‌آید تا در سوگ محبوبش اشک بریزد و فریاد «لیلیک یا خامنه‌ای» سر دهد، او همان نقش تاریخی زینب (س) را ایفا می‌کند. شهادت رهبر انقلاب، ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر بود، اما با روایتگری زینب وار مردم در خیابان‌ها، به جریانی تبدیل شد که هر روز پرصلابت‌تر از دیروز به حرکت خود ادامه می‌دهد. مردم ایران ثابت کردند که هیچ هجمه نرم یا سختی، نمی‌تواند ارادت آنان را به نظام اسلامی و ولایت فقیه خدشه‌دار کند. خیابان‌های ایران، سنگرهای زینبی هستند و هر خانواده ایرانی، راوی خون حسین (ع) زمان خویش. این گونه است که باطل، هر چند پیکر حق را نشان رود، هرگز نمی‌تواند حقیقت را بمیراند. میراث رهبر شهید با حضور خانوادگی در خیابان‌ها، تا همیشه تاریخ زنده و جاودان خواهد ماند.





انرژی؛ سرمایه عمومی در دستان عزاداران

در منطق اسلام، اسراف از محرمات قطعی است. خداوند متعال در قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَاثُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (بی‌شک اسراف کنندگان برادران شیاطین اند - سوره اسراء، آیه ۲۷). همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «كُلُّ إِسْرَافٍ حَرَامٌ» (هر اسراف‌گری حرام است).

زنان به‌عنوان مدیران داخلی خانه و کسانی که نقش کلیدی در سازمان‌دهی روضه‌های خانگی دارند، در این ایام می‌توانند نقش مؤثری در مدیریت مصرف انرژی ایفا کنند. بسیاری از بانوان بانی برگزاری روضه‌های خانگی هستند و با رعایت چند اقدام ساده می‌توانند تفاوتی بزرگ ایجاد کنند:

نورپردازی هوشمند

جایگزینی ریسه‌های قدیمی با چراغ‌های LED و استفاده از سنسورهای حرکتی.

مدیریت سرمایش

تنظیم دمای کولر روی ۲۵ درجه و استفاده از پرده‌های ضخیم برای جلوگیری از اتلاف انرژی.

نذر انرژی

اختصاص بخشی از بودجه روضه برای خرید تجهیزات برقی بارده انرژی A و تشویق عزاداران به کاهش مصرف در ساعات اوج بار.

روضه باطعم سادگی

حالا که می‌خواهی روضه آقا امام حسین (ع)
را برگزار کنی حواست به هزینه‌ها باشد



مطبخ؛ هنر جلوگیری از اسراف در پخت و پز

قلب هر مجلس نذری، آشپزخانه آن است، جایی که بانوان با سرانگشتان تدبیر می‌توانند مانع از تضييع نعمت‌های الهی شوند. مدیریت پخت و پز در حجم بالا، نیازمند دقتی است که ریشه در تقوای اقتصادی دارد.

تخمین دقیق و آمارگیری

پرهیز از پخت بیش از نیاز با تکیه بر آمار سال‌های گذشته و ثبت دقیق تعداد میهمانان برای جلوگیری از باقی ماندن حجم زیادی از غذا.

بهره‌وری در مصرف سوخت

استفاده از اجاق‌های استاندارد و ظروف با اندازه مناسب که زمان پخت را کاهش می‌دهد و از هدررفت گاز جلوگیری می‌کند.

فراوری پسماندهای غذایی

مدیریت صحیح مواد اولیه (مانند پوست میوه‌ها یا سبزیجات) و تبدیل آن‌ها به کودهای خانگی یا استفاده در تغذیه دام، به جای رها کردن در زباله‌های شهری.

توزیع فوری و بهداشتی مازاد غذا

برنامه‌ریزی پیش‌بینی برای بسته‌بندی و ارسال سریع غذاهای باقی مانده به مراکز خیریه، گرم‌خانه‌ها یا محلات حاشیه‌نشین، پیش از آنکه کیفیت غذا از بین برود.

آزاده ذیلی‌اصدای روضه که از خانه‌ها و تکیه‌ها بلند می‌شود، عطر چای نذری و سیاهی کتیبه‌ها، دل‌ها را راهی کربلا می‌کند. اما در میان این همه شور و دلدادگی، یک جهاد آرام و زنانه در جریان است؛ جهادی که از آشپزخانه‌های هیئت تا پذیرایی ساده روضه‌های خانگی امتداد دارد. مادران و بانوان این سرزمین، امروز با همان نگاه زینبی، یاد گرفته‌اند که عزاداری واقعی تنها در اشک و ناله نیست، بلکه در صیانت از بیت‌المال و مراقبت از حق الناس هم تجلی می‌یابد. آن‌ها با مدیریت هوشمندانه مصرف انرژی، چیدن سفره‌های بی‌ریا و تبدیل مجالس عزا به کانون‌های گره‌گشایی اقتصادی، نشان می‌دهند که می‌توان هم عزادار حسین (ع) بود و هم پاسدار برکت و سرمایه‌های این مرز و بوم.

**روضه‌های خانگی؛ کانون کارآفرینی و گره‌گشایی اقتصادی**

مجالس محرم همواره محل تجمع و همدلی بوده است. بانوان می‌توانند با هوشمندی، این فضا را به بستری برای حمایت از مشاغل خانگی تبدیل کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «الکادُّ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (کسی که برای اداره زندگی خانواده اش تلاش می‌کند، مانند مجاهد در راه خداست).

بازارچه‌های خیریه و خانگی

اختصاص بخشی از فضای روضه برای عرضه محصولات خانگی بانوان سرپرست خانوار.

صندوق‌های قرض‌الحسنه محلی

تشکیل صندوق‌های کوچک در دل روضه‌های زنانه برای اعطای وام‌های اشتغال‌زایی.

هدفمندسازی نذورات

تشویق بانیان به جای نذورات صرفاً خوراکی به سمت خرید تجهیزات شغلی (مانند چرخ خیاطی) برای افراد جویای کار.

**سفره؛ تجلی ساده‌زیستی و دوری از تجمل**

بخش بزرگی از مدیریت مجالس محرم بر عهده بانوان است. اصلاح الگوی پذیرایی و بازگشت به سنت ساده‌زیستی می‌تواند برکت نذورات را دوچندان کند. قرآن کریم در سوره اعراف می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد).

پذیرایی آگاهانه و بی‌پیرایه

پرهیز از تنوع غیرضروری در سفره‌های نذری و تمرکز بر کیفیت و سلامت غذا به جای تزیینات تجملاتی.

مبارزه با اشرافیگری مذهبی

جلوگیری از رقابت‌های ناصواب در نوع پذیرایی که با روح سادگی و اخلاص عاشورایی در تضاد است.

جایگزینی ظروف

استفاده از ظروف چندبار مصرف یا تجزیه‌پذیر به جای پلاستیک‌های یک‌بار مصرف در راستای حفظ محیط‌زیست.

توزیع هدفمند نذورات

شناسایی خانواده‌های کم‌برخوردار و هدایت بخشی از اطعام روضه‌ها به سفره نیازمندان واقعی؛ چرا که پیامبر (ص) فرمودند: «مَا آمَنَ بِي مِنْ بَاتٍ شَبَعَانَ وَ جَارُهُ جَائِعٌ» (به من ایمان نیاورده است کسی که شب را باشکم سیر بخوابد در حالی که همسایه اش گرسنه باشد).

**کودکان؛ انتقال فرهنگ صحیح و آموزه‌ها**

مجالس حسینی بهترین مدرسه برای تربیت نسل جدید است. بانوان با رفتارهای عملی خود در این ایام، بذل مسئولیت‌پذیری را در دل کودکان می‌کارند.

آموزش عملی حق‌الناس

وقتی مادری به فرزندش می‌آموزد که حتی یک قطره آب نذری نباید هدر رود یا خاموش کردن لامپ اضافی در هیئت، احترام به حقوق دیگران است، مفهوم «بیت‌المال» را در ذهن او نهادینه می‌کند.

مشارکت در کارهای خیر

سپردن مسئولیت‌های کوچک به کودکان در توزیع نذورات ساده یا جمع‌آوری ظروف، آن‌ها را با لذت خدمت‌بری و دوری از تجمل آشنا می‌سازد.

داستان‌گویی با محوریت سادگی

روایت زندگی اهل بیت (ع) و تأکید بر ساده‌زیستی ایشان در حین برگزاری روضه‌ها، به کودک می‌آموزد که ارزش انسان به داشته‌های مادی اش نیست.

**فضاآرایی و پوشش؛ شکوه در سادگی**

فرهنگ عاشورا فرهنگ معناست، نه صورت‌گرایی. بانوان در مدیریت بصری مجالس و پوشش خود می‌توانند الگوی «فناعت عزتمندانه» باشند. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «الْفَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَعُ» (فناعت ثروتی است که تمام نمی‌شود).

فضاآرایی بی‌پیرایه

استفاده از کتیبه‌ها و پرچم‌های قدیمی و باصالت به جای خرید سالانه اقلام تزیینی گران‌قیمت. زیبایی مجلس روضه در حزن معنوی آن است.

پوشش عقیفانه و ساده

دوری از مدگرایی در انتخاب لباس‌های مشکی. بانوی عزادار حسینی با انتخاب پوششی ساده، تمرکز خود را از ظواهر دنیوی به سمت پیام قیام امام حسین (ع) معطوف می‌کند. پرهیز از خرید لباس‌های گران‌قیمت مخصوص محرم که تنها جنبه نمایشی دارند، نوعی مبارزه با فرهنگ مصرف‌گرایی است.



زینب‌های زمان باشیم

نگاهی به جایگاه روایتگری زنان
در عصر پسا جنگ و نقش تبیینی آن‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان
کارشناس دینی



نسرین نقدی | امروز بیش از هر زمان دیگری، خانه‌های ما به روایت زینبی نیاز دارد؛ روایتی که تلخی فقدان را به حماسه ایستادگی گره بزند. ما زنان، چه خانه‌دار و چه شاغل، در این برهه حساس، علم‌داران تبیین در خانواده و جامعه هستیم. برای اینکه بدانیم چطور می‌توانیم در این مسیر، قدم‌های دقیق و اثرگذار برداریم، حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان در این زمینه دوازده راهکار عملی به ما پیشنهاد می‌دهد.

اصلاح نگرش؛ اولین قدم در روایتگری زینبی

بخش مهمی از چالش‌های امروز ما در خانواده، ریشه در نگرش‌هایی دارد که به تدریج در ذهن فرزندان و اطرافیانمان شکل گرفته است. حضرت زینب (س) در اوج مصیبت، با جمله «ما رأیتُ الا جمیلاً»، نگرش به واقعه را تغییر دادند. ما نیز نباید اجازه دهیم دین‌گریزی ناشی از سختی‌ها، به حساب لجاجت مردم گذاشته شود. مشکل اصلی، نابلدی ما در معرفی صحیح دین است. تصمیم‌ها و علاقه‌های مردم بر اساس آگاهی‌های واقعی نیست، بلکه مبتنی بر نگرش‌هاست. وظیفه ما در محافل زنانه، نه فقط انتقال اطلاعات، بلکه اصلاح این تلقی‌های غلط است. باید نشان دهیم که دین، نه یک بار اضافه، بلکه راهی برای زندگی سالم و با عزت است.

دین برای تشخیص است، نه فقط تعیین تکلیف

در ذهن بسیاری از فرزندان ما، دین مساوی با تکلیف دادن شده است، در حالی که کار اصلی دین، تقویت قدرت تشخیص انسان است. کنشگری زنانه به سبک حضرت زینب (س) یعنی کمک به دیگران برای اینکه خودشان حق را از باطل تشخیص دهند. عالم دینی یا مادر مبلغ، نیامده که به جای دیگران تصمیم بگیرد، بلکه آمده است تا قدرت فهم را در آن‌ها بیدار کند. اگر در روضه‌های خانگی دین را فقط به عنوان «باید و نباید» معرفی کنیم، جوانان را گریزان می‌کنیم. هنر ما این است که نشان دهیم دین ابتدا انسان را به تشخیص می‌رساند و سپس او را در انتخاب مسیر درست یاری می‌دهد تا در غبار حوادثی مثل جنگ تحمیلی سوم، راه را گم نکند.

عبادت شاکرانه؛ پادزهر تروماهای پسا جنگ

امروز دین به صورت افراطی، فقط «عاشقانه» معرفی شده است؛ به گونه‌ای که اگر کسی آن شور اولیه را نداشته باشد، احساس می‌کند جایی در دین ندارد. اما در معارف اهل بیت (ع) عبادت بیش از آنکه صرفاً عاشقانه باشد، «شاکرانه» است. شکر یعنی درک نعمت و پاسخ مسئولانه به آن. در این ایام که امنیت کشور با خون عزیزانمان حفظ شده، وظیفه بانوان تبیین روحیه سپاسگزاری است. محبت حقیقی در مسیر مسئولیت‌پذیری و عقلانیت شکل می‌گیرد، نه فقط با شعارهای احساسی. زن کنشگر در خانه، با نهادینه کردن فرهنگ شکر، آرامش و حماسه را جایگزین اضطراب‌های ناشی از جنگ می‌کند و پیوند خانواده را با خدا محکم‌تر می‌سازد.

عبور از دین‌داری فردی به کنشگری اجتماعی

یکی از آسیب‌های جدی، تقلیل دین به یک امر صرفاً فردی است. انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و دین‌داری او نیز باید در بستر اجتماع معنا پیدا کند. مردم صدر اسلام به دلیل مشاهده آثار اجتماعی دین، حاضر به جان‌فشانی بودند. اگر قرار است دین‌داری را در محله‌هایمان احیا کنیم، باید کارکردهای اجتماعی آن را ملموس کنیم. کنشگری زینبی یعنی زنانی که در مسجد و محله، دور هم جمع می‌شوند تا گره از کار همسایگان و آسیب‌دیدگان جنگ باز کنند. این همان دینی است که در آخر الزمان، مردم را به سوی خود جذب می‌کند؛ دینی که در آن «مواسات» و رسیدگی به دیگران، بخشی از هویت زن مسلمان است.

دین؛ واقعیتی عینی در متن زندگی و نبرد

ما گاهی اخلاق را به گزاره‌های ارزشی صرف تقلیل می‌دهیم، در حالی که قوانین دینی مثل قوانین فیزیکی، واقع‌نما هستند. همان‌طور که بی‌توجهی به جاذبه باعث سقوط می‌شود، بی‌توجهی به اصول دینی هم در زندگی فردی و اجتماعی اثر وضعی دارد. در فضای پسا جنگ، باید برای خانواده تبیین کنیم که ایستادگی و نصرت الهی، یک واقعیت عینی است، نه یک شعار ذهنی. اگر دین را صرفاً مجموعه‌ای از ارزش‌های انتزاعی معرفی کنیم، با کوچک‌ترین خطای یک مسئول، کل دین زیر سؤال می‌رود. اما اگر نشان دهیم که دستورات خدا برای «حیات دنیوی» ماست، اشتیاق به دین‌داری در نسل جدید که شاهد وقایع سخت جنگ بوده است، دوچندان می‌شود.

بی‌احترامی شده است؟ تقویت بخش‌های ایجابی و تکریم واقعی بانوان، بهترین راه برای هدایت جامعه به سمت معنویت و خنثی کردن نقشه‌های دشمن است.

پیشگامی زنان در لحظات حساس تاریخ

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که در چهار مقطع حساس که امامان ما در اوج فشار بودند، زنان علم‌دار شدند؛ از حضرت زهرا^(س) تا حضرت زینب^(س) و حضرت معصومه^(س). این نشان می‌دهد که در بزنگاه‌های تاریخ، زنان پیشگام دفاع از دین بوده‌اند. امروز که در شرایط پسا جنگ و در آستانه محرم هستیم، باز هم نوبت به کنشگری زنانه رسیده است. حضرت معصومه^(س) اگر در مدینه می‌ماند، راحت زندگی می‌کرد، اما هجرت و جهاد را انتخاب کرد. ما نیز امروز با حضور فعال در عرصه‌های تبیینی و حفظ روحیه مقاومت در خانواده، در واقع در حال ادامه دادن همان مسیر جهادی هستیم که نصرت ولی خدا را به دنبال دارد.

زندگی جمعی؛ شاخصه رشد در آستانه ظهور

زندگی جمعی مؤمنانه و مواساتی، از آخرین شاخصه‌های رشد جامعه پیش از ظهور است. فعالیت‌های خودجوش بانوان در ایام جنگ تحمیلی سوم برای تأمین نیازهای رزمندگان، نشانه‌ای از تحقق جامعه مهدوی است. شعار «مرگ بر اسرائیل» یعنی نفی سبک زندگی انفرادی و سرمایه‌داری. وقتی زنان در قالب گروه‌های محلی و شبکه‌های مسجدی کنار هم جمع می‌شوند، در واقع در حال تمرین زندگی در عصر ظهور هستند. مشارکت در توانمندی‌ها و پوشاندن خلأهای یکدیگر، همان چیزی است که امام باقر^(ع) به عنوان نشانه برادری حقیقی معرفی فرمودند. این زندگی جمعی را نباید بعد از جنگ‌ها کرد؛ بلکه باید آن را به یک فرهنگ دائمی تبدیل کرد.

هیئت امام حسین^(ع) نمی‌تواند سکولار باشد

به تعبیر امام راحل، «و... اسلام تمامش سیاست است». هر کس به امام حسین^(ع) علاقه‌مند است، یعنی به اسلام سیاسی و اسلام مجاهد علاقه‌مند است. در محرم ۱۴۰۵، روضه‌های مانمی‌تواند نسبت به خون‌های ریخته شده در جنگ تحمیلی سوم بی‌تفاوت باشد. هیئت سکولار نداریم؛ چرا که معنای اعتقاد به ابعاد...^(ع)، جان دادن در راه حاکمیت ارزش‌های الهی است. اگر تبیین درست صورت گیرد، سیاسی بودن دین برای همه روشن می‌شود و جامعه دیگر دچار صدمات جدایی دین از سیاست نخواهد شد. زنان در جلسات خانگی خود باید پیوند میان عاشورا و نبرد امروز حق و باطل را برای میهمانان خود ترسیم کنند.

حکمت در تبلیغ؛ هنر نفوذ در دل‌ها

تبلیغ دین بدون حکمت، ناقص و گاه آسیب‌زا است. حکمت یعنی هنر گفتن سخن بجا و بموقع. کسی که می‌خواهد در خانواده یا جمع دوستان، پیام دین را برساند، باید بیش از آنکه فقط عالم باشد، حکیم باشد. حکمت در انباشتن محفوظات نیست، بلکه در نظام بخشی به محتوا و مخاطب فهمی عمیق است. ما باید از نهج البلاغه و سیره حضرت زینب^(س) برای دیدن وجه حکیمانه دین الگو بگیریم. تبلیغ موفق با افزایش کلاس‌های مهارتی اتفاق نمی‌افتد، بلکه با پرورش نگاه حکیمانه آغاز می‌شود. سخنی که با حکمت آراسته شده باشد، در جان مخاطبی که از حوادث جنگ خسته است، می‌نشیند و او را به اندیشه و تحول وامی‌دارد.

تبلیغ ایجابی به جای واکنش‌های انفعالی

تبلیغ دین نباید صرفاً بر محور پاسخ به شبهه باشد. پرداختن مداوم به شبهات، یعنی بازی کردن در زمینی که دشمن طراحی کرده است. کنشگری زینبی یعنی ارائه معارف دین با روشی ایجابی و اثباتی. ما باید زیبایی‌های دین و اقتدار ناشی از ایمان را چنان روایت کنیم که پاسخ بسیاری از شبهات به طور ضمنی در دل آن باشد. این سبک از تبیین، هم دلنشین‌تر است و هم از نظر تربیتی ماندگارتر. با کلامی حکیمانه و ایجابی، مخاطب را به عمق دین رهنمون شویم تا در برابر طوفان‌های رسانه‌ای، دچار تزلزل نشود. این همان رسالت بیدارگری است که امروز بر عهده هر زن مسلمان و دغدغه‌مندی است.



احیای مسجد به عنوان کانون جامعه‌سازی

مسجد در سنت اسلامی، محل عبادت صرف نبوده؛ بلکه مرکز حل مسائل اقتصادی و هم‌افزایی اجتماعی بوده است. بانوان کنشگر در این ایام باید مساجد را به محور زندگی اجتماعی بازگردانند. اگر مسجد نتواند برای مردم، محل اجتماع، فراهم کند، در رسالت خود موفق نبوده است. در محرم امسال، روضه‌های زنانه در مساجد باید به جایی تبدیل شود که زنان کنار هم بنشینند، گفت‌وگو کنند و برای مشکلات معیشتی پس از جنگ راهکار پیدا کنند. این همان تعریفی از مسجد است که انرژی می‌دهد و خلأها را پر می‌کند. مسجد باید قلب تپنده محله باشد و زنان، اصلی‌ترین محرکان این قلب تپنده در مسیر خدمت به خلق هستند.

تکریم جایگاه زن؛ پاسخی به فتنه‌های فرهنگی

دشمن در سال‌های اخیر تمام توان خود را برای تخریب تصویر زن مسلمان به کار گرفته است. اما حقیقت این است که تشیع بیشترین حقوق و عزت را به زن داده است. ما در رسانه و هنر برای تقدیر از زنان محجبه و مادران فداکار کم‌کاری کرده‌ایم. صدای تقدیر از زنان مؤمن باید بلندتر از صدای تبلیغ بی‌حجابی باشد. احترام به زنان فاضل و حافظ قرآن در جامعه باید به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود. اگر دختری در فضای ملت‌پسند جامعه دچار تردید شده، باید پرسیم کجا به او



مفاهیم پیچیده ممنوع

در آستانه ماه محرم، چطور می‌توانیم از مفاهیم حماسی عاشورا و شخصیت‌هایی مانند حضرت قاسم (ع) یا حضرت عبدا... (ع) برای بازتعریف وقایع جنگ تحمیلی سوم، استفاده کنیم تا کودک، به جای ترس، حس افتخار و اقتدار را تجربه کند؟

برای انتقال این مفاهیم، بهترین راه استفاده از روش «مطابقت‌سازی» با زبان و ادبیات دنیای کودکی است. باید داستان را از تقابل «آدم‌خوب‌ها» و «آدم‌بدها» شروع کنیم و با زبانی قصه‌گو، ماجرای سرزمینی به نام کربلا را برای کودک روایت کنیم و آن را به وقایع جنگ تحمیلی سوم پیوند بزنیم. می‌توانیم برای کودک توضیح دهیم که ما در جنگ تحمیلی سوم، اهل دوستی و صلح بودیم؛ درست مانند زمانی که حضرت مسلم (ع) برای امام حسین (ع) نامه نوشتند و از ایشان دعوت کردند. اما در مقابل، گروهی پیمان شکنی کردند. باید برای فرزندمان تبیین کنیم که همان‌طور که در آن زمان خانواده‌ها و کودکان برای دفاع از حق ایستادگی کردند، در این جنگ نیز پدرها و بچه‌های ما برای دفاع از این سرزمین و خانه‌هایمان وارد میدان شدند.

نکته کلیدی اینجاست که نباید با کودک از مفاهیم پیچیده‌ای مانند «منفعت» یا «سود» حرف زد. چون درک روشنی از آن‌ها ندارد؛ در عوض، باید حس اقتدار را با مثال‌های ملموسی مانند «دفاع از اتاق شخصی» یا «حفاظت از وسایل و اسباب‌بازی‌ها» برایش بازتعریف کرد. این کار باعث می‌شود کودک متوجه شود چرا این اتفاقات افتاده است و به جای ترس، حس قدرت و افتخار در درونش جوانه بزند.

امروزه که بچه‌ها در متن جامعه هستند و در اجتماعات و هیئت‌های شبانه حضور دارند، بهترین زمان است تا به آن‌ها یادآوری کنیم که مانند نوجوانان کربلا، نیروهایی مفید و آینده‌ساز برای این جامعه هستند و حضورشان مایه برکت و قدرت است.

مدیریت هوشمندانه سؤالات

مادر به عنوان «پناهگاه امن» چگونه می‌تواند در عین سوگواری و حفظ حرمت خون شهید، نشاط و امید به آینده را در فضای خانه جاری نگه دارد تا سلامت روان فرزندان آسیب نبیند؟

مادر، ریشه و منبع اصلی پرورش عواطف در تمام موجودات زنده و به‌ویژه انسان است. در شرایط فعلی، اولین رسالت مادر برای ایجاد این پناهگاه امن، مدیریت هوشمندانه سؤالات کودکان است. فرزندان ما قطعاً درباره شرایط موجود سؤال می‌پرسند؛ پاسخ ما به این سؤالات نباید پیچیده، بزرگ‌نمایی شده یا خارج از درک آن‌ها باشد. جواب‌ها باید کوتاه، مختصر و کاملاً با زبان کودکانه بیان شوند.

گام دوم برای حفظ نشاط خانه، جایگزین کردن «بازی‌های خانگی» به جای «اخبار خانگی» است. برای تخلیه روانی کودک، باید اجازه دهیم آنچه در ذهن دارد روی کاغذ بیاورد. اگر کودک تصویر موشک یا صحنه‌ای نگران‌کننده کشید، مادر نباید با اضطراب برخورد کند؛ بلکه کافی است چند دقیقه وقت بگذارد و در همان نقاشی، کنار آن موشک، گل، درخت، رودخانه و ماهی بکشد. با این کار به کودک نشان می‌دهیم که به‌سختی و موشک وجود دارد، اما در کنار آن، زندگی، زیبایی و امید هم جریان دارد. این بازی‌های فکری و بصری، به کودک کمک می‌کند تا از غم و اندوه فاصله بگیرد و بپذیرد که با وجود تمام تلخی‌ها، ما همچنان مقتدرانه به زندگی و ساختن آینده ادامه می‌دهیم.

سهیم در آیین‌ها

آیین‌های محرم امسال چگونه می‌توانند نقش یک «تراپی جمعی» را برای تخلیه هیجانات منفی و بازگرداندن حس امنیت به کودکان ایفا کنند؟

در ماه محرم و صفر، بهترین بستر برای این «تراپی جمعی» فراهم است. مادران باید کودکان را در جزئیات آیین‌ها سهیم کنند. مثلاً هنگام تهیه نذری، به جای دورنگ داشتن کودک، او را به کار بگیرد؛ حتی در حد ریختن یک لیوان آب در قابلمه یا پاک کردن برنج. این درگیر شدن در عمل، ذهن کودک را از انزوای ترس خارج می‌کند و به او حس مفید بودن می‌دهد. در این مسیر، وقتی از شخصیت‌های نوجوانی مثل حضرت قاسم (ع) یا حضرت عبدا... (ع) می‌گوییم، نباید صرفاً بر جنبه غمناک و تراژیک ماجرا متمرکز شویم؛ بلکه باید آن‌ها را به عنوان الگوهای «همکاری» و «شجاعت در کنار خانواده» معرفی کنیم. باید به کودک بفهمانیم که در جبهه حق، هر کسی (حتی کوچک‌ترین عضو) نقشی حیاتی دارد. این حس «بودن در کنار هم» و «خدمت مشترک»، دقیقاً همان درمانی است که امنیت روانی فرزند را در شرایط بحرانی تضمین می‌کند.

چگونه با الفبای عاشورا فرزندانی مقتدر و صبور تربیت کنیم؟

تمرینی برای مشق زینبی

دکتر محمدصادق نظری
روان‌شناس کودک، درمانگر اختلالات یادگیری
و بازی‌درمانگر



مریم احمدی | محرم امسال، عطر متفاوتی دارد؛ عطر ایستادگی مردمی که در «جنگ تحمیلی سوم» حماسه‌ای نو آفریدند و با تکیه بر غیرت و اتحاد، اجازه ندادند چراغ خانه‌ای خاموش شود. حالا که پرچم‌های عزای سیدالشهدا (ع) برافراشته شده، نوبت مادران است تا در نقش «راویان فتح»، میراث این سربلندی و شکوه را به نسل آینده بسپارند. در این گفت‌وگو، با دکتر محمدصادق نظری، روان‌شناس کودک، درمانگر اختلالات یادگیری و بازی‌درمانگر همراه شدیم تا بیاموزیم چگونه می‌توانیم خانه‌هایمان را به پناهگاهی از آرامش و حماسه تبدیل کنیم و از کودکان امروز، کنشگرانی شجاع و سربلند برای فردای ایران بسازیم.

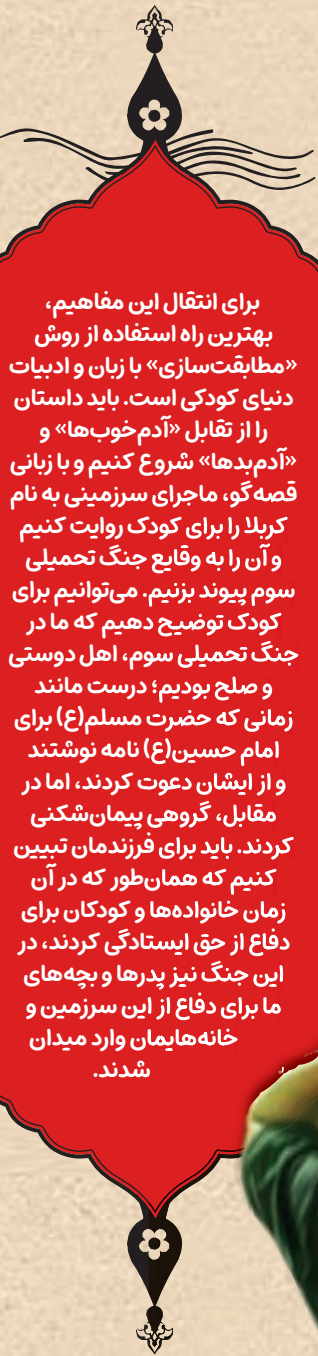
تبدیل به کنشگری فعال

برای اینکه کودک مادر آینده به یک کنشگر، دغدغه‌مند تبدیل شود و نه یک فرد منفعل یا مرعوب، مادر در روایتگری خود از نبرد حق و باطل، از کربلا تا امروز باید بر چه مؤلفه‌های تربیتی و روان‌شناختی تأکید بیشتری داشته باشد؟

هدف نهایی ما این است که فرزندی انقلابی، هدفمند و مفید تربیت کنیم؛ بچه‌هایی که هم برای خودشان، هم خانواده و هم جامعه، منشأ سود و برکت باشند و در یک کلام، به «کنشگرانی» فعال تبدیل شوند. برای دستیابی به این الگو، باید از زبان عاطفی مادر و ابزارهای محیطی به درستی استفاده کنیم. یکی از مهم‌ترین نکات، بهره‌گیری از «حافظه دیداری» فوق‌العاده قوی کودکان است. کودکان مانند یک دوربین عکاسی، از محیط پیرامون خود عکس می‌گیرند و تصاویر را در ذهن ثبت می‌کنند. حضور در اجتماعات و هیئت‌هایی که این شب‌ها برگزار می‌شود (حتی اگر به دلیل زمان خواب کودک، این حضور کوتاه باشد)، بسیار حیاتی است. کودک باید آن محیط، آن آدم‌ها، دیالوگ‌ها، شعارها، موسیقی‌های حماسی و آن جمعیتی را که هر کدام در بخشی (از رسانه و تبلیغات گرفته تا خدمات دیگر) مشغول فعالیت هستند، ببیند. این مشاهده‌های عینی، در واقع «استارت» و شروع‌کننده جریان کنشگری در ذهن اوست.

در گام بعد، مادر باید در توضیحات خود بر مفهوم «مفید بودن» تمرکز کند. باید به کودک توضیح داد که قهرمانان امروز ما در «شهرهای موشکی»، دانشمندان ما در صنعت «انرژی هسته‌ای» و سربازان غیور ما در پدافند، ارتش و سپاه، همان کودکانی هستند که روزی با جدیت درس خوانند، تحصیل کردند و در یک رشته متخصص شدند تا امروز بتوانند از ما دفاع کنند.

در واقع ما باید یک «چرخه خدمت» را برای کودک ترسیم کنیم. به او بگوییم: «اگر تو امروز در تحصیل و اخلاق کوشا باشی، در واقع در حال تمرین هستی تا در آینده بتوانی برای دیگران امنیت و سلامت بیاوری». این نگاه به کودک می‌آموزد که مفید بودن او در زمان حال (در درس و رفتار)، تضمین‌کننده قدرت و اقتدار کشور در آینده خواهد بود. با این شیوه، کودک درک می‌کند که او هم بخشی از این زنجیره بزرگ است و همین آگاهی، او را از انفعال خارج کرده و به یک کنشگر دغدغه‌مند تبدیل می‌کند.



برای انتقال این مفاهیم، بهترین راه استفاده از روش «مطابقت‌سازی» با زبان و ادبیات دنیای کودکی است. باید داستان را از تقابل «آدم‌خوب‌ها» و «آدم‌بدها» شروع کنیم و با زبانی قصه‌گو، ماجرای سرزمینی به نام کربلا را برای کودک روایت کنیم و آن را به وقایع جنگ تحمیلی سوم پیوند بزنیم. می‌توانیم برای کودک توضیح دهیم که ما در جنگ تحمیلی سوم، اهل دوستی و صلح بودیم؛ درست مانند زمانی که حضرت مسلم (ع) برای امام حسین (ع) نامه نوشتند و از ایشان دعوت کردند، اما در مقابل، گروهی پیمان‌شکنی کردند. باید برای فرزندان تبیین کنیم که همان‌طور که در آن زمان خانواده‌ها و کودکان برای دفاع از حق ایستادگی کردند، در این جنگ نیز پدرها و بچه‌های ما برای دفاع از این سرزمین و خانه‌هایمان وارد میدان شدند.





خودت امتحان کن

آپیشنهاد برای شما که می‌خواهید

یک پذیرایی ساده

در روزه‌هایتان داشته باشید

فاطمه تکلوا از همان قدیم، در همه خانه‌هایی که روزه داشتند، رسمی برقرار بود که در آخرین روز روزه، علاوه بر چای و خرما، هر روزه، یک متبرکی می‌پختند و به خانم‌ها می‌دادند تا با خودشان به خانه ببرند؛ آش رشته، حلوا، شله‌زرد، دیگچه و خیلی دیگر از نذری‌ها که مختص روزه‌های خانگی بود و با نام ائمه^(ع) زینت می‌شد و متبرک.

بی‌شک شما که اهل روزه‌خانگی هستید، خودتان استاد پخت نذری و متبرکی آن هم هستید، اما از آنجا که بعضی‌ها مثل ما کارمندا و جوان‌ترها فوت و فن پخت برخی از این متبرکی‌ها را بلد نیستیم و مدام زنگ می‌زنیم به این و آن که دستور پخت بگیریم، در دوری این شماره از خانم‌هایی که اهل برگزاری روزه و برپایی دیگ هستند، دستور پخت دیگچه و حلوا را گرفته‌ایم. با این دستور پخت، غذا را پختیم و عالی شد و بقیه هم کلی تعریف کردند. شما هم بیزید و در روزه توزیع کنید و از دعا برای ما و آموزش دهنده نیز فراموش نکنید. اگر به هر دلیلی نمی‌توانید در خانه روزه برگزار کنید ولی دلتان می‌خواهد نذری بدهید، ما دو پیشنهاد داریم: یا بانی نذری روزه یکی از آشنایان شوید یا غذا را بیزید و بین همسایه‌های ساختمان خودتان توزیع کنید.



دیگچه با طعم صلوات

دستور پخت نذری دیگچه
خانم مدنی

یکی از آن خانم‌هایی است که هر سال در ماه‌های محرم و صفر روزه‌خانگی دارد و نذری می‌دهد. نذری خانم مدنی برای روز آخر روزه اش دیگچه است که پخت آن قوانین خاص خودش را دارد و باید خبره این کار باشید. او می‌گوید: چون دیگچه را همه نمی‌پزند و بیشتر آش و شله‌زرد نذری می‌دهند و خیلی‌ها هم دیگچه را دوست دارند، تصمیم گرفتم نذری دیگچه بدهم. مثل شیرینی است که کمی قلق دارد و باید حواست جمع باشد. خود من که چندین سال است می‌پزم، باز هم از با تجربه‌ترها کمک می‌گیرم. او پیش از شروع کار تأکید می‌کند: دیگچه چون هم‌زدن زیاد دارد، پختش کار یک نفر نیست. ما هر سال چند نفری این کار را انجام می‌دهیم.





حلواي سنتي مخصوص

عمر روضه‌های خانه حاج خانم هوشمند به سال ۱۳۴۰ برمی‌گردد. حالا دختران او همراه مادر ادامه‌دهنده راهش هستند و پذیرایی ویژه روضه آن‌ها حلواي نذري است. از آنجا که خواهران زارع از حلواهای خانواده زیاد تعريف می‌کنند، از آن‌ها می‌خواهم دستور پخت را برای من هم بگویند تا ما نیز بی‌زیم و نذري حلوا بدهیم.

مواد لازم

- آرد گندم: یک لیوان
- شکر: یک و یک سوم لیوان
- آب: ۲ لیوان
- روغن مایع: نصف لیوان
- گلاب: یک سوم لیوان
- پودر هل: یک قاشق چای خوری
- زعفران: به مقدار لازم

دستور پخت

- ابتدا آب، شکر، زعفران، گلاب و هل را با هم مخلوط می‌کنیم و حدود ۱۰ دقیقه روی حرارت ملایم قرار می‌دهیم تا ذرات شکر حل شود. مواد نباید بجوشد.
- آرد را ابتدا الک می‌کنیم و سپس روی حرارت ملایم قرار می‌دهیم و هم می‌زنیم. حدود نیم ساعت با حرارت کم تفت می‌دهیم تا خامی آرد گرفته شود و رنگش گرمی شود. سپس روغن را آهسته اضافه می‌کنیم و هم می‌زنیم. تقریباً ۱۰ دقیقه تفت می‌دهیم.
- پس از آن شربت آماده شده را در چند مرحله و آهسته به مواد اضافه می‌کنیم. حدود بیست دقیقه مواد را کاملاً هم می‌زنیم تا مواد کاملاً منسجم شود. آن قدر هم زدن را ادامه می‌دهیم تا حلوا به ظرف نچسبد. سپس حلوا را در ظرف پذیرایی قرار می‌دهیم و رویش را با پودر نارگیل و خلال پسته و بادام تزیین می‌کنیم.

نکته: بهتر است حلوا در ظرف مسی یا رومی پخته شود و با قاشق چوبی هم زده شود.

در ادامه، روش پخت دیگچه برای ۱۰ نفر را برایتان به نقل از خانم مدنی می‌نویسیم:

مواد لازم



برنج نیمه ایرانی: ۴ کیلو (برنج را از یک ساعت قبل با آب گرم خیس کنید.)

شیر: ۲۰ کیلو (به ازای هر یک کیلو برنج، ۵ کیلو شیر نیاز داریم)

شکر: ۸ کیلو (به ازای هر یک کیلو برنج، ۲ کیلو شکر نیاز داریم)

گلاب: یک لیتر

هل ساییده: ۲۰ مثقال

زعفران و کاکائو: به مقدار لازم (برای درست کردن دیگچه دورنگ)



طرز تهیه

● ظرف پخت دیگچه باید مسی باشد، وگرنه رنگ دیگچه کدر می‌شود. نکته مهم این است که مواد باید مدام هم بخورد که ته دیگ نچسبد. برای همین بهتر است چند نفر باشیم.

● برای این کار برنجی را که از یک ساعت قبل خیس کرده‌ایم، با پنج لیتر آب می‌گذاریم تا کمی بپزد. از اینجا به بعد دیگر هیچ آبی به دیگ نباید افزوده شود. کم‌کم در حالی که دیگ را هم می‌زنیم تا برنج‌ها باز شود، شیر را در چند مرحله اضافه می‌کنیم. برنج که کاملاً باز شد و مواد خوب ترکیب شد و کمی شکل گرفت، شکر را اضافه می‌کنیم. نیازی نیست شکر را شربت کنیم. شکر را که افزودیم و چند دقیقه‌ای هم زدیم، مزه می‌کنیم که شیرینی اش به اندازه باشد. بعد هل را با گلاب خیس می‌کنیم و سپس صاف می‌کنیم و داخل دیگ می‌ریزیم. در همه این مراحل دیگ باید در حال هم خوردن باشد و از آن غافل نشویم که می‌سوزد و ته می‌گیرد.

● پیش از دم کردن، مقداری از مواد را در دو قابلمه جدا می‌ریزیم. کاکائو و زعفران را جدا جدا با گلاب خیس می‌کنیم و روی موادی که جدا کرده‌ایم می‌ریزیم و هم می‌زنیم تا مخلوط شود. مقدار این مواد بستگی به خودتان دارد که چقدر بخوانید کنار هم بگذارید؛ در سه رنگ زعفرانی، کاکائویی و سفید.

● پس از آن زیر شعله را کم می‌کنیم و مثل برنج دیگ‌ها را دم می‌کنیم. نیم ساعتی زمان می‌برد تا دم بکشد. ما عقیده داریم که بعد از دم کشیدن، پارچه‌ای سفید روی دیگ می‌اندازیم و کنار می‌گذاریم. اعتقاد داریم که به دیگ عنایت می‌شود. موقع پخت هم تا جایی که می‌توانید توسل کنید و دعا بخوانید. ما صلوات زیاد می‌فرستیم و زیارت عاشورا می‌خوانیم. کمی که مواد سرد شد، می‌توانید آن را در ظرف بریزید و تقدیم مهمانان کنید.



حواست به این آسیب‌ها باشد

این روزها در دوران پسا جنگ
یکی از سوالات مهم این است
که چگونه از دستاوردهایمان
مراقبت کنیم



فهیمة فرهمندپور
رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی
خانواده و زنان شورای عالی انقلاب
فرهنگی

لیلا جان قربان روزهای جنگ با همه سختی‌ها اثبات کردیم که ملتی با هم بستگی هستیم. حالا که کم‌کم وارد دوره پسا جنگ می‌شویم، یکی از نکات مهمی که سؤال خیلی از ماست، این است که آن هم بستگی را چگونه حفظ کنیم و ادامه دهیم و همچنان نقش آفرین باشیم. در گفت‌وگو با فهیمة فرهمندپور، رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی خانواده و زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی، به بررسی این موضوع و راهکارهای پیشنهادی از منظر این کارشناس نشسته‌ایم.

بازگشت به شکاف‌ها

پس دوران پسا جنگ ممکن است آسیب‌های زیادی با خودش به همراه داشته باشد؟
نخستین آسیب احتمالی، بازگشت شکاف‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نسلی و قومی پس از کاهش یا رفع تهدید خارجی است. در بسیاری از جوامع، وجود یک دشمن یا تهدید مشترک باعث می‌شود اختلافات داخلی به طور موقت کاهش یابد و گروه‌های مختلف حول یک هدف مشترک متحد شوند، اما با پایان بحران، این شکاف‌ها دوباره آشکار می‌شوند و گاه حتی شدت بیشتری می‌یابند؛ زیرا در طول بحران، انتظارات جدیدی در جامعه شکل گرفته است. برای مقابله با این آسیب، ضروری است وحدت امنیتی حاصل از دوران بحران به وحدت ملی پایدار تبدیل شود. به عبارت دیگر، روایت هم بستگی باید از سطح دشمن مشترک به سطح آینده مشترک ارتقا یابد تا مردم احساس کنند همان گونه که در دفاع از کشور سهیم بوده‌اند، در ساخت آینده کشور نیز نقش و سهم دارند.
دومین چالش، افزایش سطح انتظارات عمومی پس از بحران است. تجربه نشان داده است مشارکت مردم در وضعیت دشوار، مطالبات آنان را برای مشارکت بیشتر در اداره جامعه، شنیده شدن صداهای متنوع، نقش آفرینی در تصمیم‌گیری‌ها و مشاهده نتایج ملموس وحدت ملی افزایش می‌دهد. اگر این انتظارات با پاسخ مناسب روبه‌رو نشود، زمینه شکل‌گیری سرخوردگی اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی فراهم خواهد شد. راهبرد مؤثر در این باره، حرکت به سوی حکمرانی مشارکتی است؛ به گونه‌ای که نهاد‌های حکمرانی زمینه‌گفت‌وگوی ملی، مشارکت‌نخبگان متنوع و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی را بیش از گذشته فراهم کنند.

یک فرصت استثنایی

خیلی‌ها جنگ را فرصت می‌دانستند و شاید یکی از همین فرصت‌ها هم بستگی در دوران جنگ بود. به نظرتان این هم بستگی را پس از این دوران و فروکش کردن آتش چطور می‌شود حفظ کرد؟
پرسش درباره آینده هم بستگی ملی پس از جنگ تحمیلی سوم، از منظر راهبردی حتی مهم‌تر از تحلیل خود پدیده هم بستگی است. تجربه تاریخی بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که جوامع معمولاً در موقعیت بحران و تهدید خارجی توانایی زیادی برای ایجاد وحدت و هم‌گرایی از خود نشان می‌دهند، اما چالش اصلی پس از پایان بحران آغاز می‌شود؛ یعنی زمانی که باید هم بستگی جنگی به هم بستگی توسعه‌ای و سرمایه اجتماعی پایدار تبدیل شود. از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، هم بستگی ناشی از بحران فرصتی استثنایی برای بازسازی اعتماد عمومی، تقویت انسجام اجتماعی و افزایش مشارکت ملی محسوب می‌شود، اما اگر این فرصت به درستی مدیریت نشود، می‌تواند به تدریج به منبعی برای ناامیدی، شکاف اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی تبدیل شود. از این رو، مسئله اساسی پیش روی ایران فقط حفظ هم بستگی شکل گرفته در دوران بحران نیست، بلکه تبدیل این هم بستگی موقت به انسجام پایدار ملی، توسعه اجتماعی و پیشرفت تمدنی است.





چالش‌های مصادره هم‌بستگی

در این میان، در زمانی که جنگ تمام شده است، احتمالاً سهم خواهی‌ها هم یک جور چالش باشد.

تلاش برخی گروه‌ها برای مصادره هم‌بستگی ملی و ثبت آن به نام خود، سومین آسیب است. در حالی که هم‌بستگی ملی معمولاً محصول مشارکت طیف‌های گسترده‌ای از اقوام، نسل‌ها، گروه‌های اجتماعی و جریان‌های مختلف فکری است، هرگونه انحصارطلبی در روایت این هم‌بستگی می‌تواند احساس حذف و طرد را در میان بخش‌هایی از جامعه ایجاد کند. راهبرد مقابله با این خطر، شکل‌دهی به یک روایت فراگیر ملی است که در آن سهم همه اقوام، استان‌ها، نسل‌ها و جریان‌های وفادار به ایران به رسمیت شناخته شود و هیچ گروهی مالک انحصاری این سرمایه ملی تلقی نگردد.

چهارمین آسیب، فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی پس از پایان وضعیت بحرانی است. هیجان، انگیزه و احساس مسئولیت جمعی که در دوران بحران شکل می‌گیرد، ماهیتی دائمی ندارد. اگر جامعه پس از پایان بحران نتواند آثار ملموس و دستاوردهای قابل مشاهده این هم‌بستگی را در زندگی روزمره خود مشاهده کند، به تدریج اعتماد و مشارکت عمومی کاهش خواهد یافت. برای جلوگیری از این روند، باید سرمایه اجتماعی ایجاد شده در دوران بحران به سرمایه نهادی تبدیل شود. هدایت انرژی اجتماعی به سمت سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالیت‌های داوطلبانه، نهادهای اجتماعی و شبکه‌های محلی می‌تواند زمینه‌ساز پایداری سرمایه اجتماعی را فراهم سازد.

پنجمین آسیب، انحصاری شدن مفهوم وطن‌دوستی است. در برخی جوامع پس از بحران، وطن‌دوستی به گونه‌ای تعریف می‌شود که فقط حامیان یک دیدگاه خاص در دایره ملی قرار می‌گیرند و منتقدان یا صاحبان دیدگاه‌های متفاوت، خارج از این دایره تصور می‌شوند. چنین وضعیتی به مرور زمان انسجام ملی را تضعیف می‌کند و زمینه تشدید شکاف‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. راهبرد مناسب در این زمینه، پذیرش تنوع درون وحدت است. باید میان تعلق و وفاداری به ایران از یک سو و اختلاف نظرهای سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر تمایز قائل شد. جامعه‌ای قدرتمند است که بتواند در عین حفظ وحدت، تکثر و تنوع دیدگاه‌ها را نیز بپذیرد. ششمین چالش، تدویم و گسترش نگاه امنیتی به حوزه‌های مختلف اجتماعی پس از پایان بحران است. وضعیت بحرانی ضرورت توجه ویژه به امنیت را افزایش

هم‌بستگی تمدنی
به جای جنگی

راهبرداجرایی برای عبور از این چالش‌ها وجود دارد؟

راهبرد کلان برای آینده ایران، گذار از هم‌بستگی جنگی به هم‌بستگی تمدنی است. بزرگ‌ترین فرصت ایران پس از جنگ تحمیلی سوم، آن است که هم‌بستگی حاصل از بحران به سرمایه‌ای راهبردی برای ساخت آینده تبدیل شود. تحقق این هدف نیازمند طی کردن چهار مرحله اساسی است:

نخست، هم‌بستگی دفاعی که بر دفاع از کشور در برابر تهدیدهای خارجی استوار است. دوم، هم‌بستگی اجتماعی که بر تقویت اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی تمرکز دارد. سوم، هم‌بستگی توسعه‌ای که به بسیج ظرفیت‌های ملی برای پیشرفت اقتصادی، علمی و فناوریانه می‌پردازد و در نهایت، هم‌بستگی تمدنی که هدف آن تبدیل ایران به الگویی از پیشرفت، عدالت، هویت فرهنگی و اقتدار ملی در سطح منطقه‌ای و جهانی است.

بزرگ‌ترین تهدید پیش روی هم‌بستگی ملی پس از جنگ تحمیلی سوم، نه دشمن خارجی، بلکه فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی، بازگشت شکاف‌های رفع نشده، انحصارگرایی در روایت هم‌بستگی و ناتوانی در پاسخگویی به انتظارات جدید جامعه است. در مقابل، بزرگ‌ترین فرصت ایران آن است که انرژی عظیم شکل گرفته در دوران بحران را از عرصه دفاع به عرصه پیشرفت منتقل کند و وحدت در برابر تهدید را به وحدت برای ساختن ایران آینده تبدیل نماید. اگر این گذار با موفقیت انجام شود، جنگ تحمیلی سوم نه فقط یک رویداد نظامی، بلکه نقطه عطفی در بازسازی سرمایه اجتماعی، تقویت انسجام ملی و آغاز مرحله‌ای جدید از هم‌گرایی تمدنی ایران خواهد بود. از منظر آینده پژوهی، مهم‌ترین آزمون ایران در دهه پیش‌رو آن نیست که آیا می‌تواند بار دیگر در برابر تهدیدهای خارجی بسیج شود، بلکه این است که آیا می‌تواند همان سطح از اعتماد، هم‌بستگی و فداکاری را به عرصه‌های علم، اقتصاد، عدالت، حکمرانی، محیط‌زیست و پیشرفت ملی منتقل کند یا خیر.

می‌دهد، اما تسری این رویکرد به حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، دانشگاه، رسانه و جامعه مدنی می‌تواند ظرفیت خلاقیت، نوآوری و پویایی اجتماعی را کاهش دهد. راهبرد مناسب در این زمینه، بازگشت تدریجی از وضعیت بحران به وضعیت توسعه‌ای است؛ به گونه‌ای که اولویت‌های کشور از مدیریت تهدید به مدیریت پیشرفت تغییر یابد.

آسیبی به نام شکاف نسلی

این انتقال تجربه هم می‌تواند از چالش‌های دوران پساجنگ باشد؟

شکل‌گیری شکاف میان نسل‌های مختلف در درک و تجربه بحران، هفتمین آسیب است. نسل‌های جدید تجربه مستقیمی از جنگ یا بحران‌های بزرگ ندارند و اگر روایت هم‌بستگی فقط بر خاطرات و تجربه‌های نسل‌های گذشته استوار باشد، به تدریج ارتباط خود را با نسل جوان از دست خواهد داد. برای حل این مسئله، باید روایت ملی متناسب با زبان، نیازها و دغدغه‌های نسل جدید بازسازی شود و مفاهیمی همچون استقلال، عدالت، پیشرفت، کرامت ملی و ایران قوی در قالب‌هایی متناسب با زیست جهان جوانان بازتعریف گردد.

هشتمین و شاید مهم‌ترین آسیب، ناتوانی در انتقال انرژی و ظرفیت‌های ایجاد شده در عرصه دفاع به عرصه توسعه است. بسیاری از کشورها در بسیج ملی برای مقابله با تهدیدها موفق عمل کرده‌اند، اما نتوانسته‌اند همان ظرفیت را در حوزه‌های اقتصادی، علمی و فناوریانه به کار گیرند. راهبرد اساسی در این زمینه، ارتقای فرهنگ مقاومت به جایگاه پیشران فرهنگ پیشرفت و موتور توسعه ملی است. فرهنگ مقاومت باید همچنان حفظ شود، اما در کنار آن ارزش‌هایی مانند علم، فناوری، کارآفرینی، نوآوری، بهره‌وری و رقابت‌پذیری نیز به عنوان ارزش‌های ملی تقویت شوند.

مهم‌ترین آزمون ایران در دهه پیش‌رو آن نیست که آیا می‌تواند بار دیگر در برابر تهدیدهای خارجی بسیج شود، بلکه این است که آیا می‌تواند همان سطح از اعتماد، هم‌بستگی و فداکاری را به عرصه‌های علم، اقتصاد، عدالت، حکمرانی، محیط‌زیست و پیشرفت ملی منتقل کند یا خیر.





زائری با قدم‌های کوچک

در سفر اربعین مادرانه همراه قدم‌های فرزندان باش

حمیده زمانی | کم‌کم به یک اتفاق خاص نزدیک می‌شویم که لازم است خانوادگی برای آن آمادگی پیدا کنیم. پیاده‌روی اربعین حتی برای بزرگسالان هم سفری ساده نیست؛ مسیری طولانی، جمعیتی میلیونی، گرمای هوا و ساعت‌ها حرکت. حال تصور کنید همین مسیر را همراه کودک طی کنید که جثه‌ای کوچک‌تر، آستانه تحمل پایین‌تر و نیازهای زیستی حساس‌تری دارد. با این حال، در سال‌های اخیر خانواده‌های بسیاری تصمیم گرفته‌اند فرزندان را نیز در این تجربه معنوی شریک کنند؛ تجربه‌ای که اگر با آگاهی و برنامه‌ریزی همراه باشد، می‌تواند به یکی از عمیق‌ترین خاطرات خانوادگی تبدیل شود. در این میان، نقش مادران بسیار پررنگ است؛ چرا که مدیریت هیجانی کودک، تنظیم نیازهای روزمره و ایجاد آرامش در سفر اغلب بر عهده آن‌هاست. به همین دلیل، پیاده‌روی اربعین با کودک، بیش از آنکه یک چالش جسمی باشد، نوعی مدیریت هوشمندانه خانواده در سفر است.

زائری کوچک با نیازهای بزرگ

در بسیاری از سفرهای مذهبی، کودکان ناخودآگاه در برنامه‌ای قرار می‌گیرند که برای بزرگسالان طراحی شده است؛ اما واقعیت این است که کودک پیش از آنکه زائر باشد، موجودی با نیازهای زیستی مشخص است. او زودتر خسته و تشنه می‌شود و در گرما و ازدحام حساس‌تر است. گرسنگی یا کم‌خوابی می‌تواند در مدتی کوتاه، کودکی آرام را به کودکی بی‌قرار تبدیل کند. صف‌های طولانی، فشار جمعیت و گرمای مسیر نیز برای برخی کودکان تجربه‌ای اضطراب‌آور است. به همین دلیل، یکی از اصول مهم در پیاده‌روی اربعین با کودک این است که برنامه‌ریزی با ریتیم و تنظیم شود، نه برعکس.

قبل از سفر تاب‌آوری را تمرین کنید

تاب‌آوری کودک چیزی نیست که ناگهان در مسیر شکل بگیرد. خانواده‌ها می‌توانند چند هفته پیش از سفر، با پیاده‌روی‌های طولانی‌تری تجربه‌های کوچک خارج از خانه، بدن‌وروان کودک را برای شرایط جدید آماده کنند. در کنار آمادگی جسمی، آمادگی ذهنی نیز اهمیت دارد. گفت‌وگو درباره ماجرای کربلا به زبانی ساده و کودکانه، پاسخ دادن به پرسش‌های او و معرفی این سفر به عنوان تجربه‌ای خانوادگی و متفاوت، به کودک کمک می‌کند معنای مسیر را بهتر درک کند.

مسیر را هوشمندانه طی کنید

اصرار بر اینکه تمام مسیر نجف تا کربلا حتماً پیاده طی شود، برای خانواده‌هایی که کودک همراه دارند، تصمیم واقع‌بینانه‌ای نیست. بسیاری از خانواده‌ها بخشی از مسیر را با خودرو طی می‌کنند تا انرژی کودک حفظ شود. زمان حرکت نیز اهمیت دارد؛ ساعات خنک صبح یا شب معمولاً برای پیاده‌روی مناسب‌تر است و در ساعات گرم روز، بهتر است زمان بیشتری به استراحت اختصاص داده شود. همچنین، همراه داشتن کالسکه‌عصایی سبک می‌تواند هنگام خستگی شدید کودک، کمک‌کننده باشد.

در زیارت با کودک انعطاف‌پذیر باشید

ازدحام جمعیت در حرم‌ها و صف‌های طولانی ممکن است برای کودک آزاردهنده باشد. به همین دلیل، لازم نیست کودک در همه مراحل زیارت حضور داشته باشد. گاهی بهتر است یکی از والدین به زیارت برود و دیگری همراه کودک بماند یا زیارت به صورت نوبتی انجام شود. هدف از این سفر، ایجاد تجربه‌ای مثبت از معنویت برای کودک است؛ تجربه‌ای که در آن احساس امنیت و آرامش داشته باشد.

بازی و استراحت؛ ۲ نیاز جدی در مسیر

برای کودکان، حرکت طولانی بدون بازی تقریباً غیرممکن است. همراه داشتن یک کیف کوچک با چند وسیله مورد علاقه کودک، طراحی بازی‌های ساده در مسیر یا تبدیل قدم‌ها به مسابقه‌های خانوادگی می‌تواند فضای سفر را شادتر کند. در کنار آن، توقف‌های کوتاه برای استراحت، نوشیدن آب و خوردن خوراکی‌های سبک و حضور در موبک‌ها کمک می‌کند کودک انرژی خود را حفظ کند.



در مسیر مشق تاب‌آوری کنید

پیاده‌روی اربعین می‌تواند برای کودکان تجربه‌ای واقعی از صبر فعال باشد. در زندگی روزمره بسیاری از خواسته‌های کودک سریع برآورده می‌شود، اما در مسیر طولانی پیاده‌روی، او با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که نیازمند انتظار، تحمل خستگی و سازگاری است. اگر والدین با آرامش و صبوری با این شرایط روبه‌رو شوند، کودک نیز به صورت مشاهده‌ای یاد می‌گیرد که چگونه احساسات خود را تنظیم کند و با دشواری‌ها کنار بیاید.

عمودهای هم‌صحبتی داشته باشید

در زندگی روزمره، والدین و کودکان کمتر فرصت گفت‌وگوی طولانی‌بایدی‌گری‌پیدامی‌کنند. اما پیاده‌روی طولانی فرصتی کم‌نظیر برای این ارتباط است. پرسیدن سؤال‌های ساده، شنیدن احساسات کودک درباره مسیر و صحبت درباره تجربه‌های مشترک می‌تواند رابطه عاطفی میان والد و فرزند را عمیق‌تر کند.

هدیه‌های کوچک، دوستی‌های بزرگ

برخی خانواده‌ها برای فرزندان خود چند هدیه کوچک مانند شکلات، برچسب، مداد رنگی یا دستبندهای ساده تهیه می‌کنند تا در مسیر به کودکان دیگر یا کودکان عراقی هدیه بدهند. این کار ساده می‌تواند به کودک پیامی شادمانه فقط در گرفتن نیست، بلکه در بخشیدن نیز شکل می‌گیرد. چنین تعامل‌هایی حس همدلی و ارتباط بین فرهنگی را در کودکان تقویت می‌کند.

اربعین، مدرسه‌ای در دل جاده

پیاده‌روی اربعین از منظر روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌پذیری دینی یک موقعیت یادگیری طبیعی است. یعنی فضایی که در آن کودک بدون آموزش رسمی، از طریق مشاهده، مشارکت و تجربه عاطفی، مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی و معنوی را درونی می‌کند. این تجربه را می‌توان در سه بعد اصلی بررسی کرد: اخلاقی، تربیتی و عبادی.

مرور سریع پیاده‌روی اربعین با کودک

در زیارت با کودک منعطف باشید

صف‌های طولانی و ازدحام جمعیت برای کودک آزاردهنده است. لازم نیست کودک در همه مراحل زیارت حضور داشته باشد. می‌توانید نوبتی به زیارت بروید. زیارت کوتاه هم ارزشمند است.

همراهان مناسب انتخاب کنید

اگر گروهی سفر می‌کنید: همراهانی انتخاب کنید که شرایط کودک را درک کنند. افرادی که خودشان کودک دارند معمولاً همراهان مناسب‌تری هستند. هم‌سفران سخت‌گیر می‌توانند سفر را برای خانواده دشوار کنند.

وسایل ضروری کودک را بردارید

چند وسیله ساده می‌تواند سفر را آسان‌تر کند: کالسکه عصایی سبک، کلاه آفتابی یا کلاه پنکه‌ای، چغیه کوچک، بادبزن دستی، دمپایی یا صندل، کفش راحت با کف ضخیم، تی شرت سبک و ترجیحاً تیره.

وسایل شخصی کودک یا داتان نرود

یک کیف کوچک برای کودک در نظر بگیرید که داخل آن چند وسیله کوچک مورد علاقه، اسباب‌بازی یا سرگرمی ساده، خوراکی کوچک، بطری آب باشد. این کار احساس استقلال و همکاری کودک را افزایش می‌دهد.

قبل از سفر کودک را آماده کنید

از چند هفته قبل، پیاده‌روی‌های طولانی‌تر را تمرین کنید. گاهی کودک را در هوای گرم بیرون ببرید تا بدنش سازگار شود. یک شب خواب بیرون از خانه را تجربه کند. درباره داستان کربلا با زبان ساده با کودک صحبت کنید. سفر اربعین را برای او شبیه یک ماجراجویی یا برنامه خانوادگی جذاب معرفی کنید.

نیازهای زیستی کودک را جدی بگیرید

کودکان زودتر از بزرگسالان دچار خستگی می‌شوند. مدیریت این نیازها مهم است:
برای گرسنگی: بسته‌های کوچک انرژی بخش مثل ترکیب آجیل یا خوراکی مورد علاقه کودک آماده کنید.
برای تشنگی: بطری آب شخصی برای کودک داشته باشید. مرتب نوشیدن آب را یادآوری کنید.
برای خواب و استراحت: اگر کودک خسته شد، ادامه مسیر را متوقف کنید. کالسکه عصایی سبک همراه داشته باشید.
برای بهداشت: دستمال مرطوب و وسایل بهداشتی کوچک همراه داشته باشید. لباس اضافه برای تعویض در صورت تعریق.

مسیر را هوشمندانه مدیریت کنید

تمام مسیر را پیاده نروید. بخشی از مسیر را با ماشین طی کنید. بهترین زمان پیاده‌روی: صبح زود یا شب. در ساعات گرم روز بیشتر استراحت کنید. شروع مسیر معمولاً شلوغ‌تر و خسته‌کننده‌تر است. با صبوری و برنامه حرکت کنید.

بعد عبادی؛ شکل‌گیری تجربه عاطفی

برای کودکان، دین بیش از آنکه مجموعه‌ای از آموزه‌های نظری باشد، یک تجربه عاطفی و رابطه‌ای است. اربعین می‌تواند این تجربه را تقویت کند. چند مؤلفه مهم:

پیوند عاطفی با شخصیت‌های دینی: شنیدن روایت کربلا در فضای زیارت می‌تواند رابطه عاطفی کودک با امام حسین (ع) را تقویت کند.
معنویت جمعی: حضور در جمعیتی که با هدفی مشترک حرکت می‌کنند، نوعی تجربه معنوی مشترک ایجاد می‌کند.

معنای عبادت در عمل: کودک می‌بیند که عبادت فقط نماز یا دعا نیست، بلکه می‌تواند در قالب خدمت، کمک و مهر بانی نیز ظهور پیدا کند.

بعد تربیتی؛ تقویت مهارت‌ها

پیاده‌روی طولانی، شرایط متفاوت سفر و حضور در جمعیت گسترده، برای کودک موقعیتی فراهم می‌کند که برخی مهارت‌های مهم روان‌شناختی در او تقویت شود.

مهم‌ترین دستاوردهای تربیتی:
تاب‌آوری: تحمل خستگی، گرما و مسیر طولانی به کودک کمک می‌کند مفهوم صبر و مقاومت را تجربه کند.
خودتنظیمی هیجانی: یاد می‌گیرد هیجان‌ها و ناراحتی‌های خود را بهتر مدیریت کند.
مسئولیت‌پذیری: همراهی با خانواده در مسیر و رعایت قواعد جمعی حس مسئولیت را تقویت می‌کند.

بعد اخلاقی؛ تجربه زیسته ارزش‌ها

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسیر اربعین، نمایش عملی فضیلت‌های اخلاقی است. کودک در این فضا با نمونه‌های واقعی رفتارهای اخلاقی روبه‌رو می‌شود. مهم‌ترین ارزش‌ها:

سخاوت و بخشندگی: مشاهده موبک‌هایی که بدون انتظار پاداش به زائران خدمت می‌کنند.
همدلی و کمک به دیگران: دیدن افرادی که به سالمندان، کودکان یا زائران خسته کمک می‌کنند. مفهوم مسئولیت اجتماعی را تقویت می‌کند.
قدردانی و شکرگزاری: وقتی کودک می‌بیند امکاناتی که دریافت می‌کند نتیجه زحمت دیگران است، احساس سپاس‌گزاری در او شکل می‌گیرد.



گره خورده با عاشورا

دختران دهه هشتادی

از پیوند خود با دختران عاشورایی می‌گویند



محبیا جعفری | در حالی که تاریخ از شجاعت دختران عاشورا در درک حضور مستقیم امام حسین (ع) و همراهی با امام سجاد (ع) در اوج اسارت سخن می‌گوید، نسل امروز برای الگو برداری با تجربه ای متفاوت روبه‌روست. در این گفت‌وگوی صمیمانه میان دختران دهه هشتادی، تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو عصر بررسی شد؛ از تجربه حضور فیزیکی و محسوس ائمه (ع) در کربلا تا تجربه حضور در غیاب، در عصر انتظار. محور اصلی این نشست، بازتعریف مفهوم ارادت در نسل حاضر بود، جایی که برداشتن قدم در غیاب امام زمان (عج) نه تنها یک ضرورت است، بلکه به عنوان یک ویژگی متمایز و نشانه شجاعت خاص دختران دهه هشتادی مطرح می‌شود. در این دورهمی، تلاش کرده ایم به پاسخ این پرسش برسیم که چگونه می‌توان در غیبت ظاهری امام، با قدم‌هایی استوار، پیوند معنوی با مسیر عاشورا را بازسازی کرد؟



فاطمه عبداللهی
۳۳ ساله دبیر مدیریت خانواده

ریحانه زحمتکش
۱۷ ساله پایه یازدهم گرافیک

رضوان سعیدی
۱۴ ساله پایه هشتم

زهرا سبزیان
۲۳ ساله کارشناس علوم تربیتی

حوریه بهرامی‌نیا
۱۶ ساله پایه یازدهم انسانی

الگوی که دارم

حرف از الگوسازی شروع می‌شود؛ از اینکه از حضاران عاشورا کدام یک از زنان و دختران در ذهن شما درخشیده‌اند؟

فاطمه عبداللهی زاده: زمانی که واژه عاشورا را می‌شنوم، اولین دختری که نامش به ذهنم می‌آید، حضرت رقیه (س) است. چون این دختر فقط سه سال داشت که این همه سختی را تجربه کرد و شنیده‌ام این کودک سه ساله بسیار حاجت می‌دهد. البته این هم برای من جالب است که ایشان با وجود اینکه فقط سه سال داشتند، بسیار خوب صحبت می‌کردند. در واقع فهم و درک ایشان بیشتر از یک کودک سه ساله بوده است.

زهرا سبزیان: به نظر من یکی از شخصیت‌هایی که در روز عاشورا حضور تأثیرگذار داشتند و همیشه نظر من را به خود جلب کرده‌اند، حضرت زینب (س) هستند. ایشان در باره واقعه عاشورا گفتند: هیچ چیز جز زیبایی ندیدم. برای من به عنوان یک دختر شیعه، این جمله قدرت آفرین است. حضرت زینب (س) در روز عاشورا با رفتار و شخصیت خود ثابت کردند همه چیز در توان فیزیکی و زور بازوی مردانه خلاصه نمی‌شود. ایشان در روز عاشورا همه سختی‌ها و فشارها را درون خود هضم کردند تا به رشد در عالم وجود برسند.

همراهی؛ انتخابی آگاهانه

هر کدام نظری دارند؛ از حضورهای زنانه و دخترانه در عاشورا. سؤال این است که آن‌ها با پای عشق و ارادت رفتند یا اجبار؟

رضوان سعیدی: به نظر من حضور دختران در کنار والدین خود در کاروان عاشورا بیشتر به دلیل عشق و محبتی بود که به خانواده خود داشتند. اصلاً بردن به اجبار این دختران بی‌معناست. زیرا با عشق، خانواده خود را همراهی کردند و آگاهانه تصمیم گرفتند که خانواده‌شان را همراهی کنند.

حوریه بهرامی: به نظر من این دختران، دخترانی همراه بودند که در نهایت تصمیم گرفتند در این سفر طولانی همراه با امام (ع) باشند. قطعاً انتخاب خودشان بوده است و بهترین انتخاب را هم کرده‌اند که توانسته‌اند در تاریخ اثرگذار باشند.

زهرا سبزیان: در غرب و شرق به اثبات رسیده است هنگامی که شما در یک بستر و محیط رشد می‌کنید و تربیت می‌شوید، آن محیط بر شما بسیار تأثیرگذار است. اهل بیت (ع) هم از سرچشمه آب نوشیدند و بی‌شک جوی آب را انتخاب نمی‌کنند. این دختران در یک بستر اسلامی قوی در خانواده رشد کردند و چیزهای کوچک قطعاً به چشم آن‌ها نمی‌آید. حضرت زینب (س) سختی آن روز را زیبایی می‌بینند و قوی بودن در آن را بخشی از خلقت خود می‌دانند. به نظر من، در نهایت حضور این دختران به دلیل وجود عشق و علاقه بوده است.



عفت، سکوت نیست

به نقش‌هایی می‌رسیم که این روزها دختران دهه هشتادی با الگوبرداری از زنان و دختران عاشورایی می‌توانند بر دوش داشته باشند. به نظرتان این نقش‌ها در این روزها چه می‌تواند باشد؟

حوریه بهرامی: برخی دختران دهه هشتادی آگاهی کافی از عفت ندارند و فکر می‌کنند عفت بودن به معنای خانه‌نشینی است. اما این گونه نیست. زیرا دختران عاشورا در کنار عفتی که داشتند، اقتدار و شجاعت خود را به نمایش گذاشتند و حتی سخنوری قوی حضرت زینب (س) همه مردان آن زمان را شگفت زده کرد. اما دختران امروز ما از آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، اطلاعات دقیقی ندارند و یا از این سمت بام افتاده‌اند یا از سمت دیگر آن!

فاطمه عبداللہی زاده: یکی از زنانی که در روز عاشورا حاضر بود و شخصیت تأثیرگذاری داشت، مادر وهب است. چون او با نهایت شجاعت و اقتدار سر فرزندش را به طرف دشمن پرتاب می‌کند. شجاعت و محکم بودن او برای من خوشایند است و تا لحظه آخر به دشمن ثابت می‌کند که عملکرد پسر من درست است و در مسیر درستی در کنار امام (ع) قدم گذاشته است. همیشه این دیا لوگ در ذهنم است که می‌گوید: ما چیزی را که در راه خدا داده ایم، پس نمی‌گیریم.

رضوان سعیدی: برای من تک‌تک خانم‌ها و دخترانی که در واقعه عاشورا حضور داشتند، ارزشمند هستند. من جذب شجاعت و اقتدار آن‌ها شدم. زیرا تا لحظه آخر شجاعانه در برابر تلخی‌ها و سوختی‌ها ایستادند.

زهرا سبزیان: به نظر من بیان ویژگی‌های شخصیتی دختران عاشورا برای دختران دهه هشتادی خیلی کمک‌کننده است. اگر در مجالس روضه‌خوانی ائمه (ع) بر این ویژگی‌ها تأکید شود، می‌تواند برای دختران امروزی تأثیرگذار باشد. به نظر من برگزاری دوره‌های دخترانه با حضور کارشناس مذهبی و به اشتراک گذاشتن هر آنچه از دین بلدیم، می‌تواند برای درک عمیق‌تر از واقعه کربلا کمک‌کننده باشد.

فاطمه عبداللہی زاده: دختران عاشورا در کنار امام حسین (ع) بودند و از نزدیک ایشان را دیدند و حضورشان را حس کردند. اما دختران دهه هشتادی امروز در غیاب امام زمان (عج) هستند. ما ایشان را نمی‌بینیم، اما برایشان قدم برمی‌داریم. حتی دختران عاشورا در زمان اسارت حضور فیزیکی امام سجاد (ع) را درک کردند. اما دختران امروز درک حضور فیزیکی امام (ع) را ندارند. همین که دختران امروز در غیاب امام زمان (عج) قدم برمی‌دارند، خودش یک ویژگی مهم دهه هشتادی‌هاست که تحت ولایت ولی فقیه است.

حرف‌های دختران که تمام می‌شود، سراغ کارشناس می‌رویم تا بیشتر بدانیم و الگوهای عملی بیشتری برای خودمان برداریم. ورق یزنید و حرف‌های خانم پورحسینی را برای نقش آفرینی اثرگذارتر بخوانید.

ایستادگی در اوج سختی

دختران دهه هشتادی حاضر در جمع ما به این اعتقاد رسیده‌اند که زنان و دختران عاشورا، برای حضورشان برنامه داشته‌اند.

رضوان سعیدی: به نظر من شجاعت در روز عاشورا مصداق‌های مختلفی دارد، اما همین همراهی دختران با وجود اینکه از اتفاقات آینده اطلاع داشتند و همراهی کردند، شجاعت است.

ریحانه زحمتکش: سخنوری این دختران در کاخ یزید و برهم زدن معادلات دشمن، شجاعت بارز این دختران است. عزت نفس آن‌ها به قدری بود که حتی به یزید گفتند پیروز این جنگ ما بودیم و نظم مجلس را بر هم زدند. حضرت زینب (س) با وجود اینکه لحظه دردناک شهادت برادر خود را دیدند، باز هم آرامش خود را در اسارت حفظ کردند و دیگران را به صبر و آرامش دعوت می‌کردند و حتی به آن‌ها دل‌داری می‌دادند. به نظر من این رفتار ایشان مصداق شجاعت یک زن شیعه است.

فاطمه عبداللہی زاده: دختران و زنان عاشورا در اسارت جلوه دشمن شیون و التماس نکردند و به دست و پای دشمن نیفتادند. چون خود را پیروز میدان می‌دانستند. زنان و دختران در روز عاشورا باور داشتند که در مسیر درستی گام برمی‌دارند.

راز ماندگاری کنشگری

حالا سوآلی که وسط دوره می افتاده، این است که آن‌ها چگونه این برنامه ریزی را داشتند که توانستند اثرگذار باشند؟

حوریه بهرامی: به نظر من یکی از معانی مستقل بودن به کسی وابسته نبودن است و حضرت زینب (س) مصداق بارز یک هویت مستقل در روز عاشورا و بعد از آن هستند. ایشان در زمانی که امام حسین (ع) به شهادت می‌رسند و جز امام سجاد (ع) در میان کاروانیان مردی نیست، مدیریت را به دست می‌گیرند و زنان را حمایت می‌کنند.

ریحانه زحمتکش: عقلانیت دختران و زنان عاشورا مهم است. زیرا آن‌ها زیر بار زور نرفتند و با یزید بیعت نکردند. آن‌ها آگاه بودند که این بیعت درست نیست و امام (ع) به آن‌ها این آگاهی را داده بودند که این بیعت به معنای نابودی اسلام است. دختران و زنان عاشورایی خیلی منطقی بودند. زیرا با توجه به رفتاری که داشتند، مشخص می‌شود منطق نقش پررنگ‌تری از احساس میان این دختران داشته است.

رضوان سعیدی: به نظر من، عملکرد دختران روز عاشورا ترکیبی از منطق و احساس بوده است. زمانی که شهادت مردان خود را دیدند و آن‌ها را در جنگ حمایت کردند، یک نمود عقلانی است. اما به نظر من زمانی که آن‌ها اسیر شدند، به دلیل عشق و علاقه‌ای که به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) داشتند، خود را سرپا نگه داشتند و ایمان خود را حفظ کردند. این رفتار هم یک جلوه احساسی است. می‌توان گفت دختران عاشورا تجربه‌های احساسی زیادی داشتند.

زهرا سبزیان:

به نظر من برگزاری دوره‌های دخترانه با حضور کارشناس مذهبی و به اشتراک گذاشتن هر آنچه از دین بلدیم، می‌تواند برای درک عمیق‌تر از واقعه کربلا کمک‌کننده باشد.

از کاخ یزید تا فضای مجازی

حالا که قدرت دختران و زنان عاشورایی برایشان مسلم شده است، خودشان را در کفه دیگر ترازو گذاشته‌اند که چگونه از آن‌ها الگو بگیریم و پای عقاید خود با یستیم؟

رضوان سعیدی: به نظر من مقاومت، ایثار و اقتدار این دختران از روز عاشورا تا بعد از اسارت مهم‌ترین پیام برای دختران دهه هشتادی امروز است. شاید در آن زمان وجود این سه ویژگی میان اعراب رایج نبوده است، اما آن‌ها چنین قدرتی را از خود به نمایش گذاشتند و در زمان اسارت داخل کاخ یزید با اقتدار صحبت کردند. در زمان کنونی اقتدار برای دختران بسیار مهم است تا بتوانند حضوری فعال و تأثیرگذار در جامعه داشته باشند. دختران عاشورا شهید شدن تک‌تک اعضای خانواده خود را دیدند، اما باز هم مقابل دشمن محکم ایستادند و سر خود را پایین نینداختند.

فاطمه عبداللہی زاده: این دختران با وجود اسارت و سختی‌هایی که تحمل می‌کردند، در مقابل دشمن حرف زدند و از امام خود دفاع کردند و ترجمه را قبول نکردند.

زهرا سبزیان: به نظر من عزت نفس تک‌تک این دختران در ۱۴۰۰ سال پیش جالب است. این دختران اسیر بودند، ولی به قدری عزت نفس داشتند که اصلاً برایشان اهمیتی نداشته است که دیگران به چه چشمی به آن‌ها نگاه می‌کنند.

حوریه بهرامی: این دختران مطمئن بودند که راهشان درست است و این عزت نفس از اینجا نشئت می‌گیرد که در درست بودن انتخاب مسیر خود شکی نکردند. به نظر من شاید این ویژگی میان دختران دهه هشتادی امروز با وجود فضای مجازی کم‌رنگ است. یک جاهایی به دلیل حرف‌هایی که در فضای مجازی رایج است، شاید نتوانیم نظر واقعی خود را مطرح کنیم و جسارت از خودمان نشان دهیم. شاید فضای مجازی آن قدر به آن جریان جذابیت داده که باعث شده دیگران با اینکه می‌دانند اشتباه است، سمت آن بروند.



دختران دشمن شکن

چگونه دختران با الگو برداری از دختران در کاروان اباعبدا...^(ع) می‌توانند جهان را تکان دهند



سیده مریم پورحسینی
استاد حوزه و دانشگاه

محبا جعفری عاشورا تنها رویدادی در دل تاریخ نیست؛ کلاسی زنده و الهام بخش برای مردمانی است که در پی هویتی مستقل اند. اما کمی اختصاصی تر، چگونه می‌توان در دنیای پرهیاهوی امروز از دختری الگو گرفت که در مجلس یزید با وقاری خیره کننده ایستاد؟ در این گفت‌وگو با سیده مریم پورحسینی، استاد حوزه و دانشگاه، به بررسی نقش دختران در کاروان اباعبدا...^(ع) پرداخته ایم تا ببینیم چگونه می‌توان درس‌های «تاب آوری»، «آگاهی» و «شجاعت» عاشورایی را با دغدغه‌ها و ذائقه دختران دهه هشتادی پیوند زد.

رقیه^(س) حضوری جهانی در عاشورا

امام حسین^(ع) برای جنگ حرکت نکردند، بلکه دشمن جنگ را بر ایشان تحمیل کرد؛ چرا که امام اساساً روحیه جنگ طلبی نداشتند. با این حال، مسئله رسالت و تبلیغ دین در جامعه اسلامی مطرح بود. حضور امام حسین^(ع) با خانواده و دخترانشان در کنار اصحابی که همراه ایشان بودند، به معنای تبلیغ دین است و نشان می‌دهد که از ابتدا قصد جنگ نداشتند. رسالت تبلیغ دین و انعکاس جهانی آن در برنامه ایشان قرار داشت و با توجه به ابعاد عاطفی، این مسیر را طی کردند. حضور فرزندان نیز ویژگی خاصی داشت و می‌توانست فضا را عاطفی تر کند؛ شاید در چنین فضایی دشمن تصمیمات بهتری می‌گرفت. اما در نهایت دشمن نهایت خشونت خود را در روز عاشورا نشان داد. وقتی روضه حضرت رقیه^(س) را می‌شنوید، هم به بینش و آگاهی آن کودک سه ساله پی می‌برید و هم می‌بینید که چگونه ابعاد عاطفی عاشورا جهانی می‌شود. امام حسین^(ع) با این انتخاب شایسته توانستند بعد عاطفی عاشورا را در مقیاسی جهانی تقویت کنند.

هنری به نام مدیریت زینبی

در ابتدا گفتم سه مهارت اصلی وجود دارد که شامل ارتباط با خداوند، پیامبر^(ص) و خانواده است که خداوند به کودک هدیه می‌دهد و در خانواده این مهارت‌ها رشد داده می‌شود. دخترانی که در روز عاشورا حضور داشتند، بی تردید با تاریخ و آنچه پیش از آن بر اهل بیت^(ع) گذشته بود آشنایی

علی است که علی اکبر و علی اصغر در تاریخ مشهور است. هنگامی که حضرت برای نام گذاری این اهتمام را دارند، قطعاً برای الگوی تربیتی خانواده هم دارند. در ادامه می‌توان به روایتی اشاره کرد که مرحوم علامه طباطبایی در المیزان، ذیل آیه ۳۰ سوره مبارکه روم نقل می‌کند. مضمون این روایت چنین است که پیامبر^(ص) می‌فرماید: کودک را هنگام گریه تنبیه نکنید؛ زیرا گریه او در چهار ماه نخست، شهادت به یگانگی خداوند است؛ در چهار ماه دوم، شهادت به رسالت پیامبر^(ص)؛ و در چهار ماه سوم، دعایی برای پدر و مادر به شمار می‌آید. این روایت به معنای آن است که مهارت‌های ارتباطی با خداوند، پیامبر^(ص) و خانواده جزو فطریات است و در تربیت اهل بیت^(ع) این فطریات حفظ و رشد داده می‌شود. یعنی این سه گانه در نوجوان و جوان که در خانواده اهل بیت^(ع) رشد می‌کنند یقیناً تقویت می‌شود. این مهارت‌های تربیتی که محور اصلی است در واقع در راستای الگوی خدایی است. الگوی جالب تربیت سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و رفتاری در خانواده وجود دارد، بنابراین در نگاه ما همه کسانی که به یک مقطعی از رشد و اختیار رسیدند آگاهانه، عالمانه و با اختیار خودشان وارد حرکت کاروان شدند.

سفری دخترانه از روی اختیار

نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که منابع تاریخی درباره نام، تعداد و سن دخترانی که در واقعه عاشورا حضور داشتند گزارشی نداده است و آماری نیست. اما یقین داریم که تعدادی از دختران نوجوان امام حسین^(ع) و امام حسن^(ع)، دختران اصحاب و دختران بنی هاشم در این کاروان حضور داشتند. آیا این دختران با اجبار در کاروان حضور داشتند یا با اختیار خود؟ سؤال مهمی که شاید برای افراد مختلف پیش بیاید. در پاسخ باید گفت در شیوه تربیتی اهل بیت^(ع)، برای فرزندان و همسران جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. امام حسین^(ع) در ۲۷ رجب از مدینه خارج شدند و تا ۹ ذی الحجه در مکه اقامت داشتند. در این فاصله زمانی، نوجوانان و جوانان همراه کاروان فرصت انتخاب داشتند که بمانند یا همراه شوند. بنابراین نمی‌توان گفت دختران و زنان صرفاً به دلیل نسبت خانوادگی، ناگزیر به حرکت بوده‌اند. امام حسین^(ع) دارای دخترانی هستند که نام آن‌ها را فاطمه می‌گذارند و در تاریخ فاطمه صغری و فاطمه کبری و همین‌طور پسرانشان که نامشان



اگر الگویی خواهی، بفرما

دختران حاضر در کربلا فقط راوی یک حادثه نبودند، آن‌ها بارفتار و انتخاب‌هایشان، الگویی از هویت، شجاعت و آگاهی ساختند. دختران امروز هم می‌توانند از این ویژگی‌ها الهام بگیرند

مثل دختران اهل بیت ^(ع) ، شخصیت خود را بر پایه آگاهی و ارزش‌های ساز، نه موج‌های فضای مجازی.	هویت مستقل داشته باش نه هویت تقلیدی
حضرت زینب ^(س) و دختران کاروان کربلا نشان دادند که سخت‌ترین روزها هم می‌تواند میدان ایستادگی باشد، نه تسلیم.	در بحران‌ها فرو نریز
آن‌ها حقیقت را روایت کردند، دختر امروز هم می‌تواند با قلم، رسانه و رفتار درست، اثرگذار باشد.	صدایت را مسئولانه بلند کن
شجاعت فقط فریاد زدن نیست، گاهی آرامش، متانت و حفظ عزت، بزرگ‌ترین قدرت یک دختر است.	وقار را با جسارت جمع کن
انسجام و همراهی خانواده‌های عاشورایی، پشتوانه‌ای برای تاب‌آوری بود؛ سرمایه‌ای که امروز هم می‌تواند مسیر رشد را هموار کند. دختران عاشورا ثابت کردند که قهرمان بودن، به سن و سال نیست؛ به انتخاب آگاهانه و حفظ عزت در سخت‌ترین لحظه‌های زندگی است.	خانواده را نقطه قوت خود بدان

اگر دختران عاشورا امروز میان ما بودند

- ✦ برای دیده شدن، خودشان را شبیه دیگران نمی‌کردند؛ با هویتشان شناخته می‌شدند.
- ✦ در سخت‌ترین شرایط، امید را از دست نمی‌دادند و از مسئولیت فرار نمی‌کردند.
- ✦ حقیقت را قربانی ترندها و جو زمانه نمی‌کردند.
- ✦ عزت نفس را از تعداد دنبال‌کننده‌ها نمی‌گرفتند، از باورها و ایمان می‌گرفتند.
- ✦ یادمان می‌انداختند که یک دختر می‌تواند هم مهربان باشد، هم شجاع، هم باوقار باشد، هم اثرگذار.

شاید بزرگ‌ترین درس دختران عاشورا برای نسل امروز این باشد که اثرگذاری، از شناخت خود و ایستادن پای حقیقت آغاز می‌شود. شاید مهم‌ترین میراث دختران عاشورا این باشد که حتی در اوج بحران هم می‌توان با وقار، امید و شجاعت، روایتگر حقیقت بود.

دختران حاضر در کاروان امام حسین^(ع)، تنها همراهان یک سفر تاریخی نبودند؛ آن‌ها با آگاهی، صبر، شجاعت و وقار در یکی از سخت‌ترین بزنگاه‌های تاریخ نقش آفرینی کردند.

برای دختران دهه هشتادی، مهم‌ترین پیام آنان این است که هویت مستقل، به معنای رهاشدگی نیست؛ بلکه با آگاهی، خانواده‌وارزش‌های درست شکل می‌گیرد. همان‌گونه که دختران کربلا با شناخت مسیر خود، آگاهانه در کنار امام زمانشان ایستادند. دختر امروز نیز می‌تواند با شناخت، مسئولیت‌پذیری و حفظ عزت نفس، در جامعه اثرگذار باشد.

شام، شجاعت آنان را برجسته کرد. شجاعت یک‌زن، در وقار رفتارشان در برابر دیگران متجلی می‌شود؛ هر چه وقار یک بانو بیشتر باشد، دشمن شکنی او نیز افزون‌تر خواهد بود. این دختران، نه با قند خمیده و با آه و ناله، بلکه با عزت وارد کاخ یزید شدند. جذابیت وقار این دختران، همان شجاعت و جسارتی است که با وجود آن همه رخداد تلخ، از بین نرفته بود.

رشد تحت نظارت

آن دختری که در واقعه عاشورا صدایش شنیده شد، دختر بزرگ امام حسین^(ع) بود. ما این شعر را با مضمونی آشنا می‌شنویم: «شبیعتی ما این شربت مَاءِ عَذْبِ قَدْ كُرُونِي» یعنی «ای شیعیان من، هرگاه آب گوارایی نوشیدید، مرا یاد کنید». طبق برخی نقل‌ها، سراینده این اشعار، حضرت فاطمه کبری^(س)، دختر بزرگ امام حسین^(ع) است. ایشان این اشعار را زمانی که کنار پیکری سرپدر قرار داشتند، زمزمه کردند. این اشعار به راستی جهانی شده است. چرا که شما نیز در روزهای گرم تابستان، هنگام نوشیدن آب، یاد امام^(ع) را زنده می‌کنید. حال اگر دختران دهه هشتادی مادر پی کسب هویتی مستقل و شنیده شدن صدایشان هستند، باید ویژگی‌های این بانوی بزرگوار را بشناسند. بر اساس منابع تاریخی، ایشان شخصیتی بزرگ و معنوی داشتند؛ منظور ما از معنویت، صرفاً عبادت بر سجاده نیست، بلکه این است که هویت مستقل ایشان تحت کفالت و تربیت امام حسین^(ع) شکل گرفته بود. قرآن کریم هنگامی که حضرت مریم^(س) را در دوران نوجوانی معرفی می‌کند، معنویت آن بانو را برجسته می‌سازد. ایشان به وصیت مادرشان، خارج از فضای خانه رشد کردند، اما این هویت مستقل تحت هدایت پیامبری الهی بالید. هویت مستقل در نگاه قرآنی به معنای آن نیست که هیچ‌کس بر اعمال شما نظارت نداشته باشد، بلکه به گونه‌ای است که «ولی زمان» آن را رصد می‌کند؛ چنان‌که حضرت زکریا^(ع) کفالت حضرت مریم^(س) را بر عهده گرفتند. امروزه در بحث هویت مستقل دختران، باید مدبریت صحیحی داشته باشیم؛ کفالت پدر و مادر به معنای دخالت نیست، بلکه به معنای زمینه‌سازی برای رشد بهتر است. در فرهنگ امروز باید گوشزد کنیم که هویت مستقل به معنای رهاشدگی نیست، بلکه این هویت باید در بستری از نظارت و هدایت رشد یابد.

داشتند. شاید سن آنان به زمان شهادت امام علی^(ع) و امام حسن^(ع) نرسیده باشد، اما به یقین درباره نحوه شهادت آن بزرگواران و وضعیت امام زمان برایشان گفته شده بود و خشونت دشمن‌رانی شناختند. این موضوع در فرهنگ امروز، دشمن‌شناسی نام دارد. هنگامی که کسی دشمن را بشناسد و ابعاد حمله‌ها و تلخ‌کامی‌ها را درک کند، نیروهایی در درون او فعال می‌شود. صبر و تاب‌آوری دختران عاشورا زیانزد است؛ زیرا این دختران صبر، تاب‌آوری و مدیریت بحران را در درون خانواده آموخته بودند.

حضرت زینب^(س) در خانواده‌ای مدبریتی فوق‌العاده برخوردار بودند و جایگاهی ویژه داشتند. شاید در روزه‌ها شنیده باشید که وقتی حضرت زینب^(س) می‌خواستند سوار بر اسب شوند، چندین برادر و برادرزاده رکاب ایشان را می‌گرفتند؛ اما عصر عاشورا دیگر کسی را در کنار خود نداشتند. در پس این عظمت، شخصیتی برجسته و رکنی مهم قرار داشت که مایه آرامش خانواده بود. خانواده بر محور ایشان می‌چرخید و ساختاری تک‌هسته‌ای نداشت، بلکه دارای لایه‌های مختلف بود.

در واقع، خانواده‌ای هم‌بسته و منسجم بودند که در درون آن، با همراهی و همدلی، فضایل اخلاقی همچون صبر و تاب‌آوری شکل می‌گرفت. انسجام و محبتی که در این خانواده وجود داشت، حتی سختی‌های مسیر از زمان حرکت تاروز عاشورا را برای دختران آسان‌تر می‌کرد.

با عزت در کاخ یزید

امام حسین^(ع) در طول مسیر، از زمان ورود به عراق و پس از آن در کربلا، بارها این آیه شریفه را می‌خواندند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». حتی در «زیارت عاشورای غیرمعموفه» نیز این جمله مکرراً تکرار شده است. حتی نوع چیدمان خیمه‌گاه که هسته مرکزی آن خیمه اهل بیت^(ع)، لایه دوم خاندان بنی‌هاشم و لایه سوم اصحاب بود افزون بر سخنان حضرت، نشان می‌داد که این کاروان به سوی شهادت حرکت می‌کند. یقیناً دختران کاروان با تیزهوشی خود، متوجه سختی مسیر و آنچه قرار بود اتفاق بیفتد، بودند. علاوه بر این، خطبه‌های حضرت زینب^(س) و امام سجاد^(ع) از کوفه تا انتهای مسیر، گویای همه چیز بود؛ بنابراین انتخاب این دختران، آگاهانه صورت گرفته بود. ورود این دختران به مجلس یزید در





● صاحب امتیاز:
● مدیر مسئول:
● سردبیر:
● دبیر ضمیمه:
● دبیر شهریانو:
● مدیرهنری:

شهرداری مشهد
سید میثم موسوی مهر
سید سجاد طلوع هاشمی
ارژنگ حاتمی
لیلا جان قربان لاریجه
سید هاشم دقیق

● صفحه آرای:
● عکاسان:
● ویراستاری:
● نشانی:
● روابط عمومی:
● شماره پیامک:

مرحانه باقری ورکیانی
فهیمه فرخی، نرجس شاکری و شیرین قائمی
علیرضا میرنژاد
خیابان کوهسنگی - نبش کوهسنگی ۱۵
۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
۳۰۰۰۷۲۸۹

دیدار آخر

دیروز تهران سراسر اندوه آخرین دیدار بود. هم زمان با اولین روز از آخرین دیدار آقای شهید در تهران، فهیمه فرخی از عکاسان مشهده، قاب‌هایی از اندوه دختران آقای شهید را از آخرین دیدار ثبت کرده است.

